

پرونده‌های شماره الف-۳، الف-۸، الف-۹، الف-۱۴ و ب-۶۱
 هیئت عمومی دیوان
 تصمیم شماره ۱۳۴- الف/۳/ الف/۸/ الف/۹/ الف/۱۴/ ب/۶۱- هیئت عمومی

| | |
|---------------------------------------|---|
| IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL | دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده |
| FILED | ثبت شد |
| DATE - 1 JUL 2011 | |
| ۱۳۹۰ / ۴ / ۱۰ | تاریخ |

جمهوری اسلامی ایران

خواهان

و

ایالات متحده آمریکا،

خوانده

تصمیم

یک - پیشگفتار

۱- در تاریخ ۲۶ تیر ماه ۱۳۸۸ [۱۷ ژوئیه ۲۰۰۹]، دیوان حکم شماره ۶۰۱ ("حکم جزئی شماره ۶۰۱") را در پرونده‌های شماره الف-۳، الف-۸، الف-۹، الف-۱۴ و ب-۶۱ (که از این پس، "پرونده شماره ب-۶۱" نامیده می‌شوند) صادر کرد. از جمله موضوعات مطروح در حکم مزبور ادعایی بود که توسط جمهوری اسلامی ایران ("ایران") برای دریافت غرامت از ایالات متحده آمریکا ("ایالات متحده") بابت زیان‌هایی اقامه شده بود که ایران حسب ادعا در نتیجه امتناع ایالات متحده در تاریخ ششم فروردین ۱۳۶۰ [۲۶ مارس ۱۹۸۱] از دادن اجازه صدور برخی اموال مشمول کنترل صادرات که طبق اظهار ایران هنگام انعقاد بیانه‌های الجزایر^۲ در تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] متعلق به ایران و در ایالات متحده واقع، و یا به نحو دیگری مشمول حوزه صلاحیتی ایالات متحده بوده، متحمل شده است.

در بخش شش - پ حکم جزئی شماره ۶۰۱، دیوان از جمله احراز کرد که:

۱۵۸- نتیجه حاصله از شناسایی حق ایالات متحده توسط دیوان، طبق بند ۹ بیانه عمومی^۳، به امتناع از صدور اموال، براساس "مفاد مقررات قانونی قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ (۱۴ نوامبر ۱۹۷۹) ایالات متحده" که ایالات متحده در آن بند حق مزبور را صراحتاً برای خود حفظ کرده، این است که ایران چه قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] و چه بعد از رسمیت یافتن بیانه‌های الجزایر، حق صدور اموال نظامی خود را نداشته است. بنابراین، دیوان مقرر می‌دارد که خودداری ایالات متحده در تاریخ ششم فروردین ۱۳۶۰ [۲۶ مارس ۱۹۸۱] از اعطای اجازه صدور اموال نظامی ایران، این کشور را از حق صدور محروم نکرد، زیرا ایران از ابتدا چنان حقی نداشت.^۴

^۱ جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۶۰۱-الف/۳/الف/۸/الف/۹/الف/۱۴/ب-۶۱-هیئت عمومی، مورخ ۲۶ تیر ماه ۱۳۸۸ [۱۷ ژوئیه ۲۰۰۹]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۱۹۷.

^۲ بیانه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر (بیانه عمومی)، به تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۳، و بیانه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر درباره حل و فصل ادعاها توسط دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران (بیانه حل و فصل دعاوی)، به تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۹ (مجتمعاً "بیانه‌های الجزایر").

^۳ بند ۹ بیانه عمومی مقرر می‌دارد:

با پذیرش این بیانه و بیانه حل و فصل ادعاها منضم به آن، توسط ایران و ایالات متحده و با صدور گواهی مشروح در بند ۳ بالا توسط دولت الجزایر، ایالات متحده بر اساس مفاد مقررات قانونی قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ این کشور، ترتیبات لازم برای انتقال تمام اموال ایران را که در ایالات متحده و در خارج موجود می‌باشد و در چهارچوب بندهای فوق‌الذکر قرار نمی‌گیرد، به ایران خواهد داد.

بیانه عمومی، بند ۹، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۶.

^۴ حکم جزئی شماره ۶۰۱، بند ۱۵۸، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۵۹.

دیوان همچنین احراز کرد که:

۱۶۶- ادله موجود در پرونده حاضر نشان می‌دهد که، قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹]، ایالات متحده حق حاکمیت خود در خودداری از صدور اموال متعلق به ایران را که مشمول کنترل صادرات بوده، اعمال کرده، و نیز این که ایالات متحده قبل از آن تاریخ از صدور این گونه اموال ممانعت به عمل آورده بود. دیوان همچنین حکم می‌دهد که اقدامات متخذه توسط ایالات متحده در خودداری از صدور اموال مزبور با قوانین ایالات متحده جاری قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] منطبق بوده است.^۵

دیوان در ادامه بحث نتیجه‌گیری کرد که:

۱۷۰- با توجه به مراتب پیشگفته، دیوان نظر می‌دهد که ایران ثابت نکرده است که در نتیجه امتناع ایالات متحده در تاریخ ششم فروردین ۱۳۶۰ [۲۶ مارس ۱۹۸۱] از دادن اجازه صدور اموال مشمول کنترل صادرات ایران، وضعیت مالی اش نسبت به وضعیت موجود قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] (چه از طریق محرومیت از اموال خود و یا محرومیت از هر حقی در ارتباط با آن اموال) بدتر شده بوده است، بنحوی که مستلزم اعاده وضعیت مالی به موجب اصل کلی الف باشد.^۶ ایران ثابت نکرده است که در اثر اقدام متخذه توسط ایالات متحده در ممانعت از صدور اموال، در واقع متحمل هرگونه زیانی شده باشد که طبق تعهد ضمنی ناشی از بند ۹ و اصل الف بیانیه عمومی قابل جبران باشد.^۷ بنابراین، نتیجه‌گیری می‌شود که زیانی وجود ندارد که جبران شود.^۸

در بند ۱۷۲ حکم جزئی شماره ۶۰۱، دیوان همچنین متذکر شد که،

۱۷۲- در پرتو کلیه تصمیمات بالا و نتیجه‌گیری نهایی حاصله درباره موضوع زیان‌های قابل جبران، لزومی ندارد که در حکم جزئی حاضر به تجزیه و تحلیل دقیق هر یک از دعاوی خاص پرداخته شود. اعمال روش متخذه برای بررسی این مسئله که آیا ایران در نتیجه امتناع ایالات متحده در تاریخ ششم فروردین ۱۳۶۰ [۲۶ مارس ۱۹۸۱] از دادن اجازه صدور اموال مشمول کنترل صادرات متعلق به ایران

^۵ همانجا، بند ۱۶۶، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۶۱ (پانوش حذف شده است).

^۶ اصل کلی الف بیانیه عمومی مقرر می‌دارد:

در چهارچوب و پیرو شرایط دو بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، ایالات متحده حتی‌الامکان وضعیت مالی ایران را بصورت موجود قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] باز خواهد گرداند. در این چهارچوب، ایالات متحده خود را متعهد می‌سازد که تحرک و انتقال آزاد کلیه دارائیهای ایران موجود در قلمرو قضایی خود را بشرحی که در بندهای ۴ تا ۹ خواهد آمد، تأمین نماید.

بیانیه عمومی، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۳.

^۷ در خصوص "تعهد ضمنی" ر.ک. پانوش ۱۷ زیر.

^۸ حکم جزئی شماره ۶۰۱، بند ۱۷۰، گزارش آراء دیوان داوری جلد ۳۸، ص ۲۶۳.

در هر یک از دعاوی مزبور متحمل هرگونه زبانی شده، به نتیجه‌ای مشابه در یکایک ادعاها، یعنی احراز فقد زیان‌های قابل جبران، منجر خواهد شد.^۹

بنابراین، بر اساس مراتب بالا، دیوان ادعای ایران بر اساس تعهد ضمنی را در ماهیت رد کرد.^{۱۰}

۲- در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۸۸ [سوم اوت ۲۰۰۹]، ایران یک "درخواست تجدیدنظر از رای جزئی شماره ۶۰۱" ("درخواست تجدیدنظر" یا "درخواست") بر اساس تعدادی "اشتباهات مهم اکثریت در جریان دادرسی" و "اشتباهات آشکار حقوقی" که حسب ادعا اکثریت در صدور حکم جزئی شماره ۶۰۱ مرتکب شده است، ارائه کرد.

۳- ایران در درخواست خود همچنین خواسته است که آقایان کریستوف اسکویشفسکی و گایتانو آرانجو-روئیس، که بخشی از اکثریت را در صدور حکم جزئی شماره ۶۰۱ تشکیل می‌دادند، از شرکت در رسیدگی به درخواست تجدیدنظر ایران کناره‌گیری نمایند. در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۸۸ [پنجم اوت ۲۰۰۹]، ایران هم آقای اسکویشفسکی رئیس دیوان و هم آقای آرانجو-روئیس را با استناد به ماده ۱۰ قواعد دیوان مورد جرح قرار داد. ایران در تأیید این دو جرح، از جمله به مبانی‌ای مشابه با مبانی مورد استناد در تأیید درخواست خود استناد کرد، دایر بر این که دو داور یاد شده از شرکت در رسیدگی به درخواست تجدیدنظر ایران کناره‌گیری نمایند. مقام ناصب در تصمیم مورخ ۱۴ اسفند ۱۳۸۸ [پنجم مارس ۲۰۱۰] خود، جرح‌های مطروح توسط ایران علیه آقایان اسکویشفسکی و آرانجو-روئیس را کلاً رد کرد.

۴- در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۸۸ [۱۷ اوت ۲۰۰۹]، ایالات متحده نظرات خود را درباره درخواست تجدیدنظر ایران ارائه و تقاضا کرد که دیوان آن درخواست را رد کند.^{۱۱}

۵- آقایان اسکویشفسکی و آرانجو-روئیس طی نامه‌های مورخ نهم مهر ۱۳۸۸ [اول اکتبر ۲۰۰۹] خطاب به نمایندگان رابط دو دولت، به طرفین اطلاع دادند که قصد ندارند از شرکت در بررسی درخواست تجدیدنظر ایران توسط دیوان کناره‌گیری کنند.

^۹ همانجا، بند ۱۷۲، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۶۴.

^{۱۰} همانجا، بند ۱۸۳ (ج)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۶۷. در خصوص "تعهد ضمنی" ر.ک. متن همراه پانوش ۷ و پانوش ۱۷ زیر.

^{۱۱} ایالات متحده در لایحه مورخ ۲۶ مرداد ۱۳۸۸ [۱۷ اوت ۲۰۰۹] خود همچنین درخواستی به موجب بند ۳۷ قواعد دیوان ارائه کرد، دایر بر این که دیوان با صدور یک حکم تکمیلی هرگونه ادعای ایران در ارتباط با مقررات خزانه داری مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۸۱ را رد کند ("درخواست حکم تکمیلی"). دیوان طی تصمیم جداگانه‌ای که امروز به ثبت رسید، درباره درخواست ایالات متحده برای صدور حکم تکمیلی رأی داد.

- ۶- در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۸۸ [هشتم فوریه ۲۰۱۰]، آقای کریستوف اسکوبیشفسکی رئیس دیوان درگذشت.
- ۷- در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۸۹ [۲۱ ژوئن ۲۰۱۰]، آقای هانس فان هوتت به عنوان عضو دیوان و در تاریخ ۱۱ تیر ۱۳۸۹ [دوم ژوئیه ۲۰۱۰] به عنوان رئیس دیوان منصوب گردید.
- ۸- در تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۸۹ [۱۸ نوامبر ۲۰۱۰]، ایران "جوایه خود را" به نظرات خواننده درباره درخواست تجدیدنظر در رأی جزئی شماره ۶۰۱ ارائه کرد.
- ۹- دیوان طی اطلاعیه مورخ ۱۷ آذر ۱۳۸۹ [هشتم دسامبر ۲۰۱۰]، به طرفین اطلاع داد که، با توجه به کلیه اوضاع و احوال، از جمله جریان دادرسی پرونده شماره ب-۶۱، به ویژه، رسیدگی‌های متعدد پس از استماع، دیوان تصمیم گرفته است که ادامه شرکت اعضای سابق دیوان، آقایان کورش حسین عاملی، محسن آقاحسینی و حمید رضا علومی یزدی در پرونده شماره ب-۶۱ موجب پیشبرد منظم و کارآیی در فرآیند داوری نخواهد شد، حال آن که شرکت جانشینان آنها ضابطه مزبور را برآورده خواهد کرد.^{۱۲} بر این اساس، دیوان تصمیم گرفت که آقایان عاملی، آقاحسینی و علومی یزدی طبق بند ۵ ماده ۱۳ قواعد دیوان در خصوص هیچ جنبه‌ای از پرونده شماره ب-۶۱ انجام وظیفه نخواهند کرد.
- ۱۰- در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۸۹ [هفتم ژانویه ۲۰۱۰]، ایالات متحده پاسخی به لایحه مورخ ۲۷ آبان ۱۳۸۹ [۱۸ نوامبر ۲۰۱۰] ایران ارائه نمود.

دو- اظهارات

الف- ایران

- ۱۱- ایران تقاضا دارد که دیوان بخش شش-ب حکم جزئی شماره ۶۰۱ را بر اساس "اختیار ذاتی" خود مورد بازنگری و تجدیدنظر قرار دهد. ایران استدلال می‌کند که دیوان در شرایط استثنایی اختیار آن را دارد که آراء خود را مورد بازبینی قرار دهد، "بالاخص در مواردی که دیوان با نادیده گرفتن قوانین حاکم و عدم رعایت تشریفات رسیدگی و نقض مقررات بیانیه‌های الجزایر، به نحوی که قبلاً توسط دیوان تفسیر شده است، از چهارچوب صلاحیت و اختیاراتی که به وی تفویض شده خارج شده باشد.

^{۱۲} در سال ۲۰۰۸، آقایان عاملی، آقاحسینی و علومی یزدی همگی از عضویت دیوان استعفا دادند. یکایک این آقایان در جلسات شور دیوان که پیش از صدور حکم جزئی شماره ۶۰۱ برگزار شد، شرکت کردند. در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۸۸ [اول ژوئیه ۲۰۰۹]، آقای حمیدرضا نیکبخت فینی جانشین آقای علومی یزدی، و آقای میرحسین عابدیان کلخوران جانشین آقای عاملی شد. در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۸۸ [۲۲ سپتامبر ۲۰۰۹]، آقای سید جمال سیفی جانشین آقای آقاحسینی گردید.

۱۲- طبق اظهار ایران، دیوان در تصمیمات گذشته خود تصدیق کرده است که شرایط استثنایی که تحت آن دیوان می‌تواند اختیار خود در تجدید رسیدگی و بازنگری در احکام خود را اعمال کند، منحصر به کلاهبرداری و جعل و شهادت کذب نیست. ایران در تأیید این اظهار، به ویژه، به تصمیم دیوان در پرونده *هارولد برنهام* استناد می‌کند که در آن، دیوان اظهار داشت که "این امکان را منتفی نمی‌داند که غیر از کلاهبرداری، احتمال دارد مبنا یا مبانی استثنایی و جدی مشابهی نیز شاید بتواند اساس درخواست تجدیدنظر در احکام دیوان قرار گیرد."^{۱۳} به عقیده ایران، دیوان احراز کرده است که حتی اشتباهات در اعمال قواعد داوری هم می‌تواند شرایط استثنایی موجه برای بازنگری در آراء خود را فراهم سازد.^{۱۴}

۱۳- به علاوه، ایران به نحو کلی‌تر اظهار می‌دارد که دیوان اختیار ذاتی دارد تا در جایی که صحت جریان رسیدگی دیوان مختل شده باشد، در آراء خود تجدیدنظر نماید.

۱۴- ایران درخواست تجدیدنظر خود را بر مبنای "اشتباهات مهم در جریان دادرسی" و "اشتباهات آشکار حقوقی" مطرح کرده، که حسب ادعا، اکثریت در حکم جزئی شماره ۶۰۱ مرتکب شده، و این امر منجر به "تصمیماتی شده که صحت و سلامت جریان رسیدگی دیوان را مختل ساخته است." ایران استدلال می‌کند که، حسب رویه دیوان، آن اشتباهات در چهارچوب شرایط استثنایی قرار گرفته و بازنگری در حکم را توجیه می‌کند.

۱- اشتباهات مهم در جریان دادرسی و تخلف از اصول صحیح دادرسی

۱۵- ایران اظهار می‌دارد که اکثریت در صدور حکم جزئی شماره ۶۰۱، مرتکب سه اشتباه اساسی در جریان دادرسی شد، و بدین ترتیب، به اصول صحیح دادرسی و حقوق بنیادین ایران مطابق قواعد دیوان بی‌توجهی نشان داده است.

^{۱۳} *هارولد برنهام* و جمهوری اسلامی ایران، تصمیم شماره ۲-۹۶۷-۱۲۴ دی ای سی، بند ۱۹، مورخ ۲۳ آذر ۱۳۷۴ [۱۴ دسامبر ۱۹۹۵]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۱، ص ۲۸۶، ص ۲۹۱.
^{۱۴} در این رابطه، ایران به پانوشتی در حکم شماره ۵۸۶-الف-۲۷-هیئت عمومی اشاره می‌کند، که در آن، دیوان اظهار داشته است:

دیوان اذعان دارد که هیچ دیوانی نمی‌تواند ادعا کند که از ارتکاب اشتباهات شکلی یا امکان تقلب، جعل یا شهادت کذب که قادر به تشخیص آن نباشد، مصون است. لیکن در چنین موارد فرضی، تجدید نظر در حکم - در صورتی که دیوان تشخیص دهد که صلاحیت چنین کاری را دارد - تنها توسط خود دیوان امکان پذیر است و نه توسط هیچ دادگاه دیگر.

جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۵۸۶-الف-۲۷-هیئت عمومی، بند ۶۴، پانوشت ۶، مورخ ۱۵ خرداد ۱۳۷۸ [پنجم ژوئن ۱۹۹۸]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۴، ص ۳۹، ص ۵۸، پانوشت ۱۱ (ارجاعات حذف شده است).

۱۶- ایران نخست ادعا می‌کند که اکثریت با مبنا قرار دادن تصمیم خود بر یک استدلال حقوقی که هرگز توسط طرفین مورد بحث قرار نگرفته، حقوق ایران برای رسیدگی صحیح به دعوی را تضييع کرده است. در این رابطه، ایران اظهار می‌دارد، این استدلال که ایران چه پیش از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] و چه بعد از انعقاد بیانیه‌های الجزایر^{۱۵} حق صدور طبق مقررات کنترل صادرات ایالات متحده نداشته، نه در مدافعات کتبی و شفاهی طرفین مطرح گردیده و نه دیوان طی جریان رسیدگی آن را نزد طرفین مطرح کرده است. بر عکس، اکثریت آن استدلال را نخستین بار در حکم جزئی شماره ۶۰۱ اقامه، و بدانوسیله طرفین را غافلگیر کرده است. ایران استدلال می‌کند که اکثریت با این رفتار ایران را از فرصت کامل برای اقامه استدلال خود درباره دلیل مبنای تصمیم دیوان به رد ادعای ایران در حکم جزئی شماره ۶۰۱ محروم ساخته است؛ و حکم بند ۱ ماده ۱۵ قواعد دیوان را که می‌گوید دیوان داوری باید با طرف های داوری "به مساوات رفتار کرده و در هر یک از مراحل رسیدگی به هر طرف کاملاً فرصت دهد که مطالب خود را ارائه نماید" نقض نموده است.

۱۷- ثانیاً، ایران ادعا می‌کند که اکثریت در حکم جزئی شماره ۶۰۱ "طبق ترتیبی که برای مدتی طولانی به موجب حکم دیوان [حکم شماره ۵۲۹-الف-۱۵-هیئت عمومی در پرونده شماره الف-۱۵ (دو:الف)]^{۱۶} و دستورهای متعاقب آن برای رسیدگی به ضررهای ایران مقرر شده بود، عمل نکرده است" و بدین ترتیب، موجب تضييع حقوق ایران برای رسیدگی صحیح به دعوی شده است.

۱۸- برای این که اظهارات کنونی ایران در زمینه صحیح خود بررسی شود، لازم است راجع به پیشینه موضوع توضیحاتی داده شود. در حکم شماره ۵۲۹ در پرونده شماره الف-۱۵ (دو:الف) ("حکم جزئی شماره ۵۲۹")^{۱۷}،

^{۱۵} ر.ک. پانوش ۲ بالا.

^{۱۶} جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۵۲۹-الف-۱۵-هیئت عمومی، مورخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۱ [ششم مه ۱۹۹۲]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۸، ص ۱۱۲ ("حکم جزئی شماره ۵۲۹").

^{۱۷} همانجا، ص ۱۱۲. موضوع مورد اختلاف در پرونده شماره الف-۱۵ (دو:الف) تعهدی است که ایالات متحده طبق بیانیه‌های الجزایر برای فراهم آوردن موجبات انتقال بعضی اموال عینی ایران واقع در قلمرو قضایی ایالات متحده به ایران، بر عهده گرفته است. ادعاهای ایران در پرونده شماره ب-۶۱ عمدتاً به اموال مشمول کنترل صادرات مربوط می‌شود، حال آن که ادعاهای ایران در پرونده شماره الف-۱۵ (دو:الف) عمدتاً به اموال غیر مشمول کنترل صادرات مربوط می‌گردد. (در خصوص ارتباط بین پرونده شماره ب-۶۱ و پرونده شماره الف-۱۵ (دو:الف)، ر.ک. حکم جزئی شماره ۶۰۱، بندهای ۲۱-۱۱، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ص ۲۱۱-۲۰۷). در حکم جزئی شماره ۵۲۹ در پرونده شماره الف-۱۵ (دو:الف)، دیوان، از جمله، تصمیماتی به شرح زیر درباره مسئولیت ایالات متحده گرفت:

مقررات خزانه داری ایالات متحده دایر بر معافیت انتقال اموالی که منحصرأ به ایران تعلق داشته، اما دارندگان آن به استناد حق حبس، دفاعیه، ادعای متقابل، تهاوت یا دلایل مشابه، به حق ایران نسبت به تصرف اموال معترض بوده‌اند، با تعهدات ایالات متحده در بیانیه عمومی مغایرت داشته است. دیوان بر اساس مدارک موجود نمی‌تواند واقعیات ذیربط نسبت به هر قلم مشخص از اموال را تعیین کند.

دیوان در آن مرحله از رسیدگی‌ها و بر اساس سوابق موجود نزد خود، "بررسی موضوع اموال مشخص یا زیانهای احتمالی متحمله توسط ایران بابت آن اموال را عملی [ندانست]"^{۱۸} و لذا از طرفین خواست که لوایح و مدارک بیشتری در آن خصوص به ثبت رسانند.^{۱۹} در خصوص حدود مسئولیت و خسارات احتمالی، دیوان خاطرنشان ساخت که "در مواردی که ایالات متحده از تعهدات خود در بیانیه عمومی تخلف کرده و در نتیجه، ایران خساراتی متحمل شده، مسئولیت ایالات متحده محقق است."^{۲۰} دیوان همچنین خاطرنشان ساخت که "هر یک از طرفین عهده‌دار اثبات واقعیات مورد استناد در تأیید ادعا یا دفاع راجع به غرامت مورد بحث است."^{۲۱} و آنگاه، دیوان در ادامه مطلب، در بند ۷۵ آن حکم جزئی اظهار داشت:

در تعیین میزان غرامت، دیوان ادله خسارات وارده به ایران در مورد هر یک از اموال، وضعیت ایران در مورد آن مال به صورت موجود قبل از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] و نیز ترتیبات قراردادی و سایر اوضاع و احوال مرتبط با معاملات مربوط به آن مال را مورد توجه قرار خواهد داد.^{۲۲}

۱۹- ایران در درخواست تجدیدنظر خود اظهار می‌دارد که در اجرای ترتیبات رسیدگی مقرر در بند ۷۵ حکم جزئی شماره ۵۲۹، هزینه و وقت بسیار زیادی در پرونده ب-۶۱ صرف کرده تا در لوایح و مستندات کتبی متعدد و همچنین طی جلسات استماع طولانی، حدود ۶۰ فقره ادعای مربوطه به اموال نظامی با ارزش تهیه و ارائه نماید. بدین لحاظ، ایران ادعا می‌کند که اکثریت در حکم جزئی شماره ۶۰۱ "به منظور رسیدن به این نتیجه که ایران خسارتی را متحمل نشده است، می‌بایست بطور دقیق و کامل مدارک طرفین در مورد هر کدام از دعاوی را همان گونه که توسط دیوان در بند ۷۵ حکم جزئی شماره ۵۲۹ مقرر گردیده" در نظر می‌گرفت. ایران نتیجه‌گیری کرده است که

...

ایالات متحده تعهدی ضمنی طبق بیانیه عمومی بر عهده دارد تا بابت زیان‌های متحمله توسط ایران در اثر امتناع ایالات متحده از اعطای اجازه صدور اموال ایران که مشمول قوانین کنترل صادرات قبل از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] بوده، به ایران غرامت بپردازد.

حکم جزئی شماره ۵۲۹، بند ۷۷ (د) و (ز)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۸، ص ۱۴۰، ص ۱۴۱.

^{۱۸} همانجا، بند ۷۱، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۸، ص ۱۳۹.

^{۱۹} همانجا، بندهای ۶۷ و ۷۱، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۸، ص ۱۳۷، ص ۱۳۹. بدنبال صدور حکم جزئی شماره ۵۲۹، در تاریخ نهم تیر ۱۳۷۱ [۳۰ ژوئن ۱۹۹۲]، دیوان با صدور دستوری در پرونده شماره الف-۱۵ (دو:الف)، برنامه تبادل لوایح بعدی در آن پرونده را تعیین کرد، بدین معنی که (یک) "لایحه توجیهی و ادله و مدارک [ایران] در خصوص کلیه موضوعات باقیمانده که قرار است در پرونده حاضر مورد رسیدگی قرار گیرد، از جمله، موضوعات مربوط به هر یک از اموال و تعیین غرامت و بهره" و (دو) "لایحه توجیهی و ادله و مدارک ایالات متحده در پاسخ [به مدارک خواهان]."

^{۲۰} حکم جزئی شماره ۵۲۹، بند ۷۳، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۸، ص ۱۳۹.

^{۲۱} همانجا، بند ۷۴، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۸، ص ۱۳۹.

^{۲۲} همانجا، بند ۷۵، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۸، ص ۱۳۹.

دیوان راجع به ادعای ایران بر یک مبنای کلی و صرفاً انتزاعی تصمیم گرفته است، بدون آن که هیچیک از مدارک تسلیمی توسط طرفین را بررسی نماید. و با این کار، اکثریت در حکم جزئی شماره ۶۰۱ "ایران را گمراه" و بدانوسیله اصول اساسی دادرسی را نقض کرده است.

۲۰- ثالثاً، ایران اظهار می‌دارد که اکثریت در حکم جزئی شماره ۶۰۱، بعضی مدارک را که ایالات متحده به ضمیمه پاسخ مورخ ۱۰ اسفند ۱۳۸۴ [اول مارس ۲۰۰۶] خود به مدارک تکمیلی مورخ ۱۲ بهمن ۱۳۸۳ [اول فوریه ۲۰۰۵] ایران ثبت کرد، "بطور غیرقابل قبولی" جزو مدارک پرونده شماره ب-۶۱ "پذیرفته است".

۲۱- برای این که اظهار اخیر در زمینه صحیح خود بررسی شود، لازم است راجع به پیشینه امر توضیحاتی داده شود. در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۸۳ [اول فوریه ۲۰۰۵]، ایران "مدارک تکمیلی" در ده جلد ارائه کرد.^{۳۳} دیوان طی دستور مورخ ۱۲ فروردین ۱۳۸۴ [اول آوریل ۲۰۰۵]، از جمله مدارک تکمیلی ایران را در عداد ادله پذیرفت و به ایالات متحده اجازه داد که پاسخی ارائه کند و مقرر نمود که "این پاسخ ... باید محدود به آن مدارک باشد."^{۳۴} ایالات متحده در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۸۴ [اول مارس ۲۰۰۶] پاسخی در هفت جلد به مدارک تکمیلی ایران ارائه کرد.^{۳۵} ایران متعاقباً تقاضا کرد که دیوان پاسخ مورخ ۱۰ اسفند ۱۳۸۴ [اول مارس ۲۰۰۶] ایالات متحده را رد کند، و ادعا کرد که پاسخ مزبور با دستور مورخ ۱۲ فروردین ۱۳۸۴ [اول آوریل ۲۰۰۵] دیوان مغایرت دارد.^{۳۶} در حکم جزئی شماره ۶۰۱، دیوان در بررسی اعتراض ایران، به عنوان یک موضوع مقدماتی یادآور شد که "طی جلسه استماع طولانی پرونده حاضر، ایران فرصت پاسخ به ادله و استدلالات تقدیمی توسط ایالات متحده در پاسخ خود را داشت، و پاسخ هم داد."^{۳۷}

^{۳۳} حکم جزئی شماره ۶۰۱، بند ۲۲، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۱۱.

^{۳۴} جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، پرونده های شماره الف ۳، الف ۸، الف ۹، الف ۱۴ و ب-۶۱، بندهای ۱۲-۱۰، دستور مورخ ۱۲ فروردین ۱۳۸۴ [اول آوریل ۲۰۰۵]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۱۵۳، ص ۱۵۵. دیوان در پذیرش مدارک تکمیلی ایران اظهار داشت:

دیوان مایل نیست اجازه دهد که ثبت دیرنگامی رسیدگی های دیوان را مختل نماید. دیوان همچنین مایل نیست ادله ای را که اگرچه دیرنگام است اما احتمال دارد برای حل و فصل منصفانه دعاوی مطروح واجد اهمیت باشد، به دلیل دیرنگام بودن رد کند.

همانجا، بند ۱۰، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۱۵۵.

^{۳۵} حکم جزئی شماره ۶۰۱، بندهای ۲۲، ۹۶، پانویشت های ۵۶-۵۵، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۱۲، ص ۲۳۶ پانویشت های ۶۱-۶۰.

^{۳۶} همانجا، بندهای ۲۲ و ۹۱، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۱۲-۲۱۱ و ۲۳۵-۲۳۴.

^{۳۷} همانجا، بند ۹۵، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۳۶.

۲۲- دیوان مضافاً مقرر نمود که لایحه چهل و شش صفحه‌ای موجود در جلد اول پاسخ مورخ ۱۰ اسفند ۱۳۸۴ [اول مارس ۲۰۰۶] ایالات متحده^{۲۸} مسموع نیست، زیرا در واقع، لایحه ای از نوع لایحه بعد از استماع محسوب می‌گردد.^{۲۹} با اینحال، دیوان مدارکی از جمله پیوست‌های موجود در جلد اول ("ضمایم مورد اختلاف") را در عداد مدارک پرونده شماره ب-۶۱ پذیرفت؛ در اتخاذ این تصمیم، دیوان یادآوری کرد که ضمایم مورد اختلاف "در پاسخ به برخی ضمایم مدارک تکمیلی ایران است که از جمله، ناظر بر قابلیت صدور اموال مشمول کنترل صادرات متعلق به ایران قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹]، روش ارزشگذاری و کمیت زیان‌های ایران" می‌باشد.^{۳۰} جزو پیوست‌های مورد اختلاف، شهادتنامه‌هایی از دکتر زیگنیو برژینسکی، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور ایالات متحده، جیمز ارل کارتر، جونیر،^{۳۱} و خانم رز بیانکائیلو، یک نفر کارمند مسئول صدور پروانه در دفتر کنترل تسلیحات وزارت امور خارجه ایالات متحده در زمان‌های ذربط در این پرونده^{۳۲} و همچنین تعدادی پیوست منضم به آنها وجود داشت.^{۳۳}

۲۳- ایران ادعا می‌کند که اکثریت در حکم جزئی شماره ۶۰۱ "به نحو سؤال برانگیزی" این ضمایم مورد اختلاف را "پذیرفته است." طبق اظهار ایران، این اقدام اکثریت با عدم پذیرش لایحه چهل و شش صفحه‌ای موجود در جلد اول جوابیه مورخ ۱۰ اسفند ۱۳۸۴ [اول مارس ۲۰۰۶] ایالات متحده، که مبتنی بر همان ضمایم مورد اختلاف بود، تناقض دارد. به علاوه، ایران اظهار می‌دارد که، برخلاف تصمیم اکثریت، هیچ مدرک یا استدلالی در مدارک تکمیلی ایران، در ارتباط با قابلیت صدور اموال مشمول کنترل صادرات ایران قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹]، نبود.

۲- اشتباهات آشکار حقوقی

۲۴- ایران اظهار می‌دارد که در نتیجه اشتباهات اساسی اکثریت در جریان دادرسی که در بالا شرح داده شد، اکثریت در حکم جزئی شماره ۶۰۱ مرتکب "اشتباهات آشکار حقوقی" در صدور آن حکم شده است. به عقیده ایران، چنانچه فرصت مقتضی در اختیار ایران گذاشته می‌شد تا نظرات خود را "درباره تنها مبنای رد دعوای ایران، یعنی حق ایران برای صدور اموال نظامی ایران طبق قانون کنترل صادرات ارائه نماید"، ایران می‌توانست اشتباه

^{۲۸} جلد اول پاسخ مورخ ۱۰ اسفند ۱۳۸۴ [اول مارس ۲۰۰۶] ایالات متحده مشتمل بر یک لایحه چهل و شش صفحه‌ای و

پنج ضمیمه بود. همانجا، بند ۹۴، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۳۵.

^{۲۹} همانجا، بند ۹۷، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۳۶.

^{۳۰} همانجا، بند ۹۶، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۳۶.

^{۳۱} همانجا، بند ۳۱، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۱۵.

^{۳۲} همانجا، بند ۳۲، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۱۶.

^{۳۳} همانجا، بند ۹۴ پانوش ۵۴، بند ۹۶، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، بندهای ۲۳۶-۲۳۵، پانوش ۵۹.

بزرگ اکثریت در حکم جزئی شماره ۶۰۱ را گوشزد نموده، و در نتیجه از صدور حکم جزئی شماره ۶۰۱ اجتناب گردد. اشتباهاتی که اکثریت طبق اظهار ایران مرتکب شده است، به طور خلاصه در زیر بیان می‌شود.

الف- حق صدور

۲۵- نخست، ایران ادعا می‌کند که یافته دیوان در بند ۱۵۸ حکم جزئی شماره ۶۰۱ دایر بر این که ایران، چه پیش از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] و چه بعد از انعقاد بیانیه‌های الجزایر، حق صدور اموال نظامی خود را نداشت،^{۳۴} اشتباه است، زیرا با یافته های دیوان در حکم شماره ۳۸۲ در پرونده شماره ب-۳۵۱ ("حکم جزئی شماره ۳۸۲") و حکم جزئی شماره ۵۲۹ در پرونده شماره الف-۱۵ (دو:الف) مغایرت دارد.

۲۶- ایران تعدادی موارد مغایرت ادعایی بین حکم جزئی شماره ۶۰۱ از یک طرف، و احکام جزئی شماره ۳۸۲ و ۵۲۹ را از طرف دیگر، مشخص کرده است. در این رابطه، ایران به ویژه ادعا می‌کند که در بند ۱۵۸ حکم جزئی شماره ۶۰۱ اکثریت به غلط به بررسی مجدد "موضوع حق ایران برای صدور اقلام نظامی بر اساس قانون کنترل صادرات اسلحه ایالات متحده" پرداخته است، زیرا طبق اظهار ایران، دیوان قبلاً در حکم جزئی شماره ۳۸۲ و حکم جزئی شماره ۵۲۹ به صورت قطعی این موضوع را به نفع ایران مورد تصمیم قرار داده بود.

^{۳۴} ر.ک. بند ۱ بالا.

^{۳۵} جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، حکم شماره ۳۸۲-ب-۱ هیئت عمومی، مورخ نهم شهریور ۱۳۶۷ [۳۱ اوت ۱۹۸۸]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۹، ص ۲۷۳ ("حکم جزئی شماره ۳۸۲"). موضوع مورد اختلاف در پرونده شماره ب-۱ (ادعای ۴) تعهدات ایالات متحده طبق بیانیه‌های الجزایر در خصوص انتقال بعضی اموال نظامی متعلق به ایران بود که طبق قراردادهای منعقد شده بین ایران و ایالات متحده در برنامه "فروش های نظامی خارجی" (اف ام اس) در تصرف ایالات متحده بود. در حکم جزئی شماره ۳۸۲، دیوان احراز کرد که ایالات متحده، از طریق شرط "بر اساس مفاد مقررات قانونی قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹"، آن کشور در بند ۹ بیانیه عمومی (پانوش ۳ بالا)، حق خود را در امتناع از صدور اموال ایران که مشمول قوانین کنترل صادرات ایالات متحده با خودداری از اعطای مجوز صدور اموال ایران که مشمول قوانین کنترل صادرات بوده، از تعهدات خود طبق بیانیه های الجزایر تخلف نکرده است. حکم جزئی شماره ۳۸۲، بندهای ۶۲-۴۶، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۹، ص ۲۹۳-۲۸۷. در حکم جزئی شماره ۳۸۲، دیوان همچنین متذکر شد که با توجه به این که اعمال شرط بند ۹ بیانیه عمومی موجب منع انتقال اموال نظامی مورد اشاره در آن بند به ایران می‌شود، یافته بالا الزاماً به این نتیجه منجر نمی‌شود که بیانیه عمومی پرداخت غرامت را به ایران مقرر نمی‌دارد. همانجا، بند ۶۵، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۹، ص ۲۹۳. اگرچه در بند ۹ بیانیه عمومی صراحتاً ذکر نشده است که در صورت عدم استرداد بعضی اقلام به دلیل مقررات قانونی جاری قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] ایالات متحده، ایالات متحده متعهد به پرداخت غرامت به ایران است، دیوان در حکم جزئی شماره ۳۸۲ احراز کرد که "چنین تعهدی در آن بند مستتر است." همانجا، بند ۶۶، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۹، ص ۲۹۴.

۲۷- به علاوه، ایران اظهار می‌دارد که دیوان در حکم جزئی شماره ۵۲۹ احراز کرد که ریسک این که ایالات متحده پروانه‌های لازم برای صدور اموال مشمول کنترل صادرات ایران را قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] صادر نکند، از نظر اثبات مسئولیت ایالات متحده مؤثر در مقام نبود؛ ایران ادعا می‌کند که، با این تصمیم دیوان لزوماً "مسئله صدور را با ریسک ناشی از آن ... به نفع ایران" تصمیم‌گیری نمود.

۲۸- بر این اساس، ایران اظهار می‌دارد که نتیجه‌گیری اکثریت در حکم جزئی شماره ۶۰۱، دایر بر این که ایران ثابت نکرده است که هیچ زیان قابل جبرانی در پرونده شماره ب-۶۱ متحمل شده، یافته دیوان در حکم جزئی شماره ۳۸۲ و حکم جزئی شماره ۵۲۹ را از اعتبار ساقط کرده است، دایر بر این که ایالات متحده تعهدی ضمنی طبق بیانیه عمومی بر عهده دارد که بابت زیان‌های متحمل توسط ایران در اثر امتناع ایالات متحده از اعطای اجازه صدور اموال ایران که مشمول قوانین کنترل صادرات جاری قبل از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] ایالات متحده بوده، به ایران غرامت بپردازد.^{۳۶}

۲۹- ایران استدلال می‌کند که با صدور حکم جزئی شماره ۶۰۱، اکثریت با عدم تبعیت از حکم جزئی شماره ۵۲۹، خلاف رأی خود عمل کرده است دایر بر این که حکم جزئی شماره ۵۲۹ اعتبار امر مختوم در پرونده شماره ب-۶۱ دارد.^{۳۷} در نتیجه، ایران اظهار می‌دارد که اکثریت در حکم جزئی شماره ۶۰۱ "از حدود اختیاراتی که برای او در بیانیه حل و فصل و قواعد داوری دیوان پیش بینی شده خارج شده است."

ب- بند ۱۶۶ حکم جزئی شماره ۶۰۱

۳۰- ایران یافته زیر در بند ۱۶۶ حکم جزئی شماره ۶۰۱ را مورد معارضه قرار داده است:

^{۳۶} ر.ک. حکم جزئی شماره ۳۸۲، بند ۶۶، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱۹، ص ۲۹۴؛ حکم جزئی شماره ۵۲۹، بند ۷۷ (ز)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۸، ص ۱۴۱.
^{۳۷} در حکم جزئی شماره ۶۰۱، دیوان احراز کرد که:

رأی دیوان در [حکم جزئی شماره ۵۲۹] دایر بر این که ایالات متحده تعهدی ضمنی طبق بیانیه عمومی بر عهده دارد تا بابت زیان‌های متحمل توسط ایران در اثر امتناع ایالات متحده از اعطای مجوز صدور اموال ایران که مشمول قوانین کنترل صادرات بوده، به ایران غرامت بپردازد، اعتبار امر مختوم در پرونده شماره ب-۶۱ دارد.

حکم جزئی شماره ۶۰۱، بند ۱۲۵، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۴۶. در حکم جزئی شماره ۶۰۱، دیوان همچنین از جمله مقرر نمود که تصمیمات مندرج در بندهای فرعی ۷۷ (د) و ۷۷ (ک) (در بخش مدلول (dispositif) حکم جزئی شماره ۵۲۹ و همچنین بعضی دلایل مشروح در بندهای ۵۹، ۶۰ و ۶۵ آن حکم نیز اعتبار امر مختوم در پرونده شماره ب-۶۱ دارد. ر.ک. حکم جزئی شماره ۶۰۱، بندهای ۱۳۳-۱۳۲، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ص ۲۵۰-۲۴۹.

ادله موجود در پرونده حاضر نشان می دهد که، قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹]، ایالات متحده حق حاکمیت خود در خودداری از صدور اموال متعلق به ایران را که مشمول کنترل صادرات بوده، اعمال کرده، و نیز این که ایالات متحده قبل از آن تاریخ از صدور این گونه اموال ممانعت به عمل آورده بود.^{۳۸}

۳۱- ایران اظهار می دارد که ادله مورد استناد اکثریت در حکم جزئی شماره ۶۰۱، یافته مندرج در بند ۱۶۶ را تأیید نمی کند که می گوید اقدامات ایالات متحده در خودداری از صدور اموال نظامی ایران بر اساس قانون کنترل صادرات اسلحه ایالات متحده اتخاذ شده است. ایران استدلال می کند که ادله مزبور، بر عکس، ثابت می کند که "توقف" ادعایی در صدور اموال نظامی ایران که در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۵۸ [۱۲ نوامبر ۱۹۷۹] صورت گرفت، اقدامی بود که نه بر اساس قانون کنترل صادرات اسلحه ایالات متحده، بلکه در چهارچوب یک تحریم اقتصادی غیررسمی اتخاذ گردید. ایران خاطر نشان می سازد که دو روز بعد، یعنی در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹]، یک تحریم اقتصادی رسمی توسط ایالات متحده از طریق دستور اجرائی شماره ۱۲۱۷۰ علیه ایران وضع گردید.^{۳۹}

پ- مجوزهای صدور معتبر

۳۲- ایران اظهار می دارد که اکثریت در حکم جزئی شماره ۶۰۱، در تعیین وضعیت مالی ایران قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹]، حتی طبق سناریوی خود، حقوق ایران در ۶۸ فقره مجوز صدور را، که طبق ادعای ایران، قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] اعتبار داشتند، نادیده گرفته است. آن مجوزهای صدور حقاً بخشی از وضعیت مالی ایران را پیش از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] تشکیل می داد (۱) زیرا واقعیت این است که "رئیس جمهور آمریکا در آن دوره هیچ تصمیمی برای تعلیق یا ابطال مجوزهای معتبر ایران برای صادرات اموال موضوع پرونده حاضر" بر طبق شرایط و مقررات مربوط به قانون کنترل صادرات اسلحه ایالات متحده اتخاذ نکرد و (۲) به این علت که هر گونه توقف غیررسمی صادرات به ایران^{۴۰} خدشه ای بر اعتبار مجوزهای ایران وارد ننمود. به عقیده ایران، اوضاع و احوال مزبور همچنین نشان می دهد که ایران قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] حق صدور اموال مشمول کنترل صادرات را داشت.

^{۳۸} حکم جزئی شماره ۶۰۱، بند ۱۶۶، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۶۲ (پانوش حذف شده است)، منقول در بند ۱ بالا.

^{۳۹} طبق دستور اجرائی شماره ۱۲۱۷۰، که در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] توسط رئیس جمهور کارتر صادر شد، انتقال "کلیه اموال و علایق دولت ایران، و مؤسسات و واحدهای تحت کنترل آن دولت و بانک مرکزی ایران که در حوزه صلاحیتی ایالت متحده واقع باشند یا شوند و یا در اختیار یا تحت کنترل اشخاص مشمول حوزه صلاحیتی ایالات متحده قرار دارند یا قرار گیرند" ممنوع گردید. حکم جزئی شماره ۶۰۱، بند ۳۵، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۲۱۷.

^{۴۰} ر.ک. بند ۳۱ بالا.

۳- درخواست جلسه استماع

۳۳- ایران در لایحه مورخ ۲۷ آبان ۱۳۸۹ [۱۸ نوامبر ۲۰۱۰] خود تقاضا کرده است که دیوان جلسه استماعی درباره درخواست تجدیدنظر ایران، به ویژه در خصوص "موضوعات اساسی که کلیه آنها مربوط می شود به نقض اختیارات دیوان و قواعد لازم الاجرای داوری و حقوق بنیادین ایران در برخورداری از رسیدگی عادلانه و قانونی" برگزار نماید. طبق اظهار ایران "ابعاد این تخلف و آثار آن ایجاب می کند که دیوان به بررسی کامل و دقیق موضوعات عنوان شده ایران برای بازنگری پردازد؛" و این مسأله به نوبه خود "تنها در صورتی امکان پذیر است که" با توجه به حجم زیاد و پیچیده مدافعات، مبانی موضوعی و حکمی بازنگری توسط طرفین در جلسه استماع عرضه گردد.

ب- ایالات متحده

۳۴- ایالات متحده ادعا می کند که درخواست تجدیدنظر ایران طبق بیانیه های الجزایر و قواعد رسیدگی دیوان ("قواعد دیوان")، که مسجل نموده است که احکام دیوان قطعی است و قابل طرح مجدد یا بازنگری نیست، مجاز نمی باشد. به نحو مشخص تر، ایالات متحده به بند ۱۷ بیانیه عمومی،^{۴۱} بند ۱ ماده چهار بیانیه حل و فصل دعاوی^{۴۲} و بند ۲ ماده ۳۲ قواعد دیوان^{۴۳} اشاره می کند. ایالات متحده ادعا می کند که هیچ شرطی در بیانیه های الجزایر یا قواعد دیوان وجود ندارد که مقرر نموده باشد که یک طرف دعوی می تواند تقاضای پژوهش یا طرح مجدد یک حکم قطعی نماید.

۳۵- به علاوه، ایالات متحده اظهار می دارد که درخواست تجدیدنظر ایران خارج از حیطه شمول هر گونه بازنگری که در قواعد دیوان و یا رویه دیوان پیش بینی شده است، قرار می گیرد. درخواست ایران تقاضای تفسیر یا صدور حکم تکمیلی به موجب مواد ۳۵ یا ۳۷ قواعد دیوان نیست^{۴۴}، و اشتباهی از نوع اشتباه محاسبه، غلط های

^{۴۱} بند ۱۷ بیانیه عمومی از جمله مقرر می دارد که چنانچه اختلافات دیگری درباره تفسیر یا اجرای هر یک از مقررات این بیانیه بین طرفین بروز نماید، هر یک از طرفین می تواند اختلاف را "به هیئت داوری، که رأی آن لازم الاجرا خواهد بود،" ارجاع نماید. بیانیه عمومی، بند ۱۷، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۸.

^{۴۲} بند ۱ ماده چهار بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر می دارد که "کلیه تصمیمات و احکام هیئت داوری قطعی و لازم الاجرا خواهد بود." بند ۱ ماده چهار بیانیه حل و فصل دعاوی، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۱۰.

^{۴۳} بند ۲ ماده ۳۲ قواعد دیوان مقرر می دارد که: "حکم، کتبی بوده و اجرای آن برای طرف ها الزامی است."

^{۴۴} بند ۱ ماده ۳۵ قواعد دیوان مقرر می دارد:

هر یک از طرف ها می تواند، ظرف سی روز پس از دریافت حکم، ضمن اطلاع به طرف دیگر، از دیوان داوری تقاضا کند که تفسیری از حکم بدست دهد.

بند ۱ ماده ۳۷ قواعد دیوان مقرر می دارد:

انشایی یا املائی را که در ماده ۳۶ قواعد دیوان^{۴۵} ذکر شده، مشخص نمی‌کند. دیوان همواره هر گونه درخواست تجدید نظری را که در محدوده مفاد قواعد دیوان نباشد، مردود شناخته است. طبق اظهار ایالات متحده، درخواست ایران در واقع به معنی کوشش برای پژوهش خواهی و طرح مجدد حکم شماره ۶۰۱ است.

۳۶- در خصوص اظهار ایران دایر بر این که دیوان دارای اختیار ذاتی برای تجدیدنظر در احکام خویش است، ایالات متحده ادعا می‌کند که، تا آن جا که دیوان امکان اعاده دادرسی درباره یک حکم قطعی را پیش بینی کرده، روشن بوده است که این امر تنها در مواردی امکان پذیر است که حکم ناشی از تقلب بوده باشد. ایالات متحده در تأیید موضع خود، به تصمیمات دیوان در دعاوی *دیمزاند مور*، *هارولد برنهام* و *رام اینترنشنال اینداستریز*، اینک استناد کرده است.^{۴۶} ایالات متحده تأکید کرده است که، در مواردی که دیوان اندیشیده است که آیا اوضاع و احوال استثنایی دیگری می‌تواند اعمال اختیار فرضی دیوان در تجدیدنظر در احکام را توجیه کند یا خیر، دیوان همواره این قبیل اوضاع و احوال را در ارتباط با کلاهبرداری، جعل و یا شهادت کذب مورد بررسی قرار داده است. در این رابطه، ایالات متحده پرونده های *هارولد برنهام*^{۴۷} و *مارک دلال*^{۴۸} را ذکر کرده است. بدین لحاظ، بر خلاف آنچه که ایران در درخواست تجدیدنظر خود استدلال نموده، دیوان هیچگاه نپذیرفته است که اشتباهات شکلی یا ماهوی می‌تواند اوضاع و احوال استثنایی ای قلمداد شود که اعمال هر گونه اختیار فرضی دیوان در تجدیدنظر در احکام را توجیه نماید.

هر یک از طرف‌ها می‌تواند، ضمن اطلاع به طرف دیگر، ظرف سی روز پس از دریافت حکم از دیوان داوری تقاضا کند که در مورد آن دسته از دعاوی که در جریان داوری ارائه شده، لکن در حکم مسکوت مانده، حکم تکمیلی صادر نماید.

^{۴۵} بند ۱ ماده ۳۶ قواعد دیوان، در بخش ذیربط، مقرر می‌دارد:

هر یک از طرف‌های داوری می‌تواند، ضمن اطلاع به طرف دیگر، ظرف سی روز پس از دریافت حکم، از دیوان داوری تقاضا کند که هر گونه اشتباه محاسبه، غلط‌های انشایی و املائی یا اشتباهاتی از این دست را تصحیح کند.

^{۴۶} *دیمزاند مور* و *جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، تصمیم شماره ۳-۵۴-۳۶ دی ای سی مورخ ۱۰ مرداد ۱۳۶۴ [متن انگلیسی، مورخ ۲۳ آوریل ۱۹۸۵]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۸، ص ۱۰۷؛ *هارولد برنهام* و *جمهوری اسلامی ایران*، تصمیم شماره ۲-۹۶۷-۱۲۴ دی ای سی، مورخ ۲۳ آذر ۱۳۷۴ [۱۴ دسامبر ۱۹۹۵]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۱، ص ۲۸۶؛ *رام اینترنشنال اینداستریز*، اینک. و *دیگران و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران*، تصمیم شماره ۱-۱۴۸-۱۱۸ دی ای سی، مورخ هفتم دی ۱۳۷۲ [۲۸ دسامبر ۱۹۹۳]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۹، ص ۳۸۳.

^{۴۷} *هارولد برنهام*، تصمیم شماره ۲-۹۶۷-۱۲۴ دی ای سی، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۱، ص ۲۸۶.

^{۴۸} *مارک دلال* و *جمهوری اسلامی ایران*، و *دیگران*، تصمیم شماره ۱-۱۴۹-۳۰ دی ای سی، مورخ ۲۲ دی ۱۳۶۲ [۱۲ ژانویه ۱۹۸۴]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۵، ص ۷۴.

۳۷- ایالات متحده می‌افزاید که، در هر حال، ایران ثابت نکرده است که دیوان مرتکب هیچ گونه اشتباه شکلی یا ماهوی در حکم جزئی شماره ۶۰۱ شده است، بنحوی که ایران را از فرصت ارائه مطالب خود محروم کرده باشد. به ویژه، این اظهار ایران که حکم جزئی شماره ۶۰۱ بر مبنای یک اشتباه در جریان دادرسی صادر گردیده، زیرا طرفین وارد بحث راجع به موضوعی که دیوان آن را مبنای تصمیم‌گیری درباره پرونده قرار داده، نشده بودند - یعنی، طبق نظر ایالات متحده، اثبات خسارات ایران باید از طریق مقایسه وضع مالی آن دولت در دو مقطع زمانی مشخص و با در نظر گرفتن این واقعیت صورت گیرد که هیچ تضمینی وجود نداشت که ایران بتواند اموال خود را صادر کند - هیچ دلیل مؤیدی در سوابق پرونده ندارد. برعکس، سوابق پرونده نشان می‌دهد که طرفین طی دوره‌ای متجاوز از ده سال قبل از استماع، مدارک مفصلی درباره این موضوع ارائه کردند و در موارد متعدد طی جلسه استماع موضوع را مورد بحث قرار دادند.

۳۸- در مورد اظهار ایران مبنی بر این که حکم جزئی شماره ۶۰۱ حاوی اشتباهات آشکار حقوقی است - و به ویژه، با آراء دیوان در حکم جزئی شماره ۵۲۹ تناقض دارد - ایالات متحده اظهار می‌دارد که این "دقیقاً آن گونه ایراد به استنتاجات حقوقی دیوان است که قابل تجدیدنظر نیست، زیرا منظور از آن اعاده دادرسی درباره یک حکم قطعی در ماهیت است." حتی اگر استدلال درباره وجود مغایرت بین آن دو حکم امکان پذیر بود، دیوان استنتاجات خود در این خصوص را در حکم جزئی شماره ۶۰۱ با دقت مورد بررسی و توضیح قرار داده، و آن نتیجه‌گیری قطعی است و قابل تجدیدنظر نیست.

۳۹- ایالات متحده ادعا می‌کند که، در هر حال، حکم جزئی شماره ۵۲۹ و حکم جزئی شماره ۶۰۱ کاملاً با یکدیگر مطابقت دارند. به عقیده ایالات متحده، حکم جزئی شماره ۵۲۹ موضوعات مربوط به مسئولیت را مورد تصمیم قرار داد، اما این مسئله را که آیا ایالات متحده باعث ورود هر گونه خسارتی به ایران شده است یا خیر، صراحتاً به آینده موکول نمود. حکم جزئی شماره ۶۰۱، به نوبه خود، مسئله خسارات را بررسی کرد و احراز نمود که ایران در اثر تصمیم ایالات متحده به اعمال حق حاکمیت خود در خودداری از صدور اموال مشمول کنترل صادرات، متحمل هیچ خسارتی نشده است.

۴۰- با توجه به کلیه دلایل بالا، ایالات متحده تقاضا کرده است که دیوان درخواست ایران را بطور اختصاری رد کند.

سه - درخواست کناره گیری

- ۴۱- به طوری که ملاحظه شد، ایران تقاضا کرده است که آقایان کریستوف اسکویشفسکی و گایتانو آرانجو-روئیتس از شرکت در بررسی درخواست تجدیدنظر ایران کناره گیری نمایند.^{۴۹}
- ۴۲- آقای کریستوف اسکویشفسکی رئیس دیوان در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۸۸ [هشتم فوریه ۲۰۱۰] درگذشت.^{۵۰} بنابراین، درخواست ایران برای کناره گیری، تا آنجا که به نامبرده مربوط می شود، سالبه به انتفاء موضوع است.
- ۴۳- در مورد آقای آرانجو-روئیتس، دیوان ملاحظه کرده است که نامبرده طی نامه مورخ نهم مهر ۱۳۸۸ [اول اکتبر ۲۰۰۹] خود خطاب به نمایندگان رابط دو دولت، به طرفین اطلاع داد که قصد ندارد از شرکت در بررسی درخواست تجدیدنظر ایران توسط دیوان کناره گیری کند.^{۵۱}

چهار - اسباب موجه حکم

- ۴۴- ایران به عنوان مبنای درخواست خود برای تجدیدنظر در بخش شش-پ حکم جزئی شماره ۶۰۱ به "اختیار ذاتی" ادعایی دیوان در بازبینی و تجدید بررسی احکام خود استناد می کند. دیوان در زیر به بررسی این موضوع می پردازد که آیا واجد چنین اختیاری برای این کار هست یا خیر.
- ۴۵- سالهای متمادی این گرایش وجود داشته است که دادگاهها و دیوانهای بین المللی در اساسنامه های مربوطه خود، در قواعد دادرسی خود و یا در هر دوی آنها، صراحتاً این اختیار را به خود تفویض کنند که احکام و آرای را که از سایر جهات قطعی و لازم الاجرا است، مورد تجدیدنظر قرار دهند. این امر جای تعجب ندارد، زیرا تجدیدنظر تدبیر فوق العاده ای است که تنها در اوضاع و احوال استثنایی و ضروری پذیرفته است.^{۵۲} "مفهوم تجدیدنظر بر اصل بنیادین اعتبار امر مختوم اثر منفی می گذارد، و بر آن خلل وارد می کند" و لذا "در صورتی که به غلط یا در فقد ضرورت لازم اعمال شود، می تواند ثبات مناسبات قضایی و امنیت حقوقی را تضعیف کند."^{۵۳}

^{۴۹} بند ۳/ب/ا.

^{۵۰} بند ۶/ب/ا.

^{۵۱} بند ۵/ب/ا.

^{۵۲} ر.ک. به عنوان مثال،

KAIYAN HOMI KAIKOBAD, INTERPRETATION AND REVISION OF INTERNATIONAL BOUNDARY DECISIONS, 257.

(وی می گوید تجدیدنظر یک تدبیر قضایی است که باید به صورت مضیق، در اوضاع و احوال استثنایی اعمال شود، و به همین دلیل، نمی توان به سهولت آن را جایز دانست).

^{۵۳} Richard Kreindler, *Applications for "Revision" in Investment Arbitration: Selected Current Issues*, in LIBER AMICORUM

BERNARDO CREMADES 679, 681-82 (M.Á. Fernández-Ballesteros & D. Ariad eds., 2010)

همچنین ر.ک. 3 SHABTAI ROSENNE, THE LAW AND PRACTICE OF THE INTERNATIONAL COURT 1920-2005,

1613 (4TH ed. 2006)

۴۶- بدین لحاظ، از دیر باز یعنی در سال ۱۸۹۹، شرطی در کنوانسیون لاهه راجع به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی گنجانده شد، دایر بر این که هیئت‌های داوری اختیار تجدیدنظر در احکام خود را دارند، مشروط بر این که طرف‌های داوری در موافقت نامه‌های داوری (*compromis*) خود چنین اختیاری را برای هیئت داوری حفظ کرده باشند.^{۵۴} همین شرط در کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه راجع به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی گنجانده شد.^{۵۵} به علاوه، اساسنامه دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی صراحتاً به دیوان اختیار تجدیدنظر در احکام خود را اعطا کرده،^{۵۶} و همینطور، اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص احکام آن دیوان،^{۵۷} کنوانسیون راجع به حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع دولت‌های دیگر ("کنوانسیون ICSID") نیز صراحتاً به هیئت‌های داوری ICSID اختیار می‌دهد که احکام خود را مورد تجدیدنظر قرار دهند.^{۵۸} دادگاه‌ها و دیوان‌های دیگری که به موجب اساسنامه‌های خود صراحتاً اجازه تجدیدنظر در احکام به آنان اعطا گردیده، مشتمل‌اند بر دیوان دادگستری اروپا،^{۵۹} دیوان اختلافات سازمان ملل متحد^{۶۰} و دیوان پژوهش سازمان ملل متحد.^{۶۱}

(با تأکید بر این که ماهیت استثنایی تدبیر تجدیدنظر "احتمالاً می‌تواند ثبات مناسبات قضایی مستقر توسط اصل اعتبار امر مختوم را تضعیف نماید.")؛

W. MICHAEL REISMAN, NULLITY AND REVISION – THE REVIEW AND ENFORCEMENT OF INTERNATIONAL JUDGMENTS AND AWARDS 219-20 (1971)

("اگرچه تفسیر می‌کوشد بر تصور واهی قطعیت حکم صحه گذارد، اما تجدیدنظر محققاً آن تصور را زایل می‌کند")؛

Derek W. Bowett, *Res Judicata and the Limits of Rectification of Decisions by International Tribunals*, 8 AFR. J. INT'L AND COMP. L. 577, 577 (1996)

(وی اشعار می‌دارد که اگر احکام فاقد قطعیت و قوت اجرایی باشند، احترامی که دولت‌ها برای آن‌ها قایل‌اند، تضعیف خواهد شد.)

^{۵۴} کنوانسیون راجع به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی، ماده ۵۵، ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ ("کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه") (ترجمه انگلیسی در PERMANENT COURT OF ARBITRATION – BASIC DOCUMENTS 3 (2005) چاپ شده است). بند ۱ ماده ۵۵ کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه مقرر می‌دارد که: "طرفین می‌توانند در موافقت نامه‌های داوری حق تقاضای تجدیدنظر در حکم را حفظ کنند."

^{۵۵} کنوانسیون راجع به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی، ماده ۸۳، مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ (ترجمه انگلیسی در PERMANENT COURT OF ARBITRATION – BASIC DOCUMENTS 19 (2005) چاپ شده است).

^{۵۶} اساسنامه دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی، ماده ۶۱، ۱۶ دسامبر ۱۹۲۰ (اصلاح شده در ۱۴ سپتامبر ۱۹۲۹)، PCIJ Publications (ser. D) No. 1, at 26.

^{۵۷} اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، ماده ۶۱.

^{۵۸} کنوانسیون راجع به حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع دولت‌های دیگر، ماده ۵۱، در تاریخ ۱۸ مارس ۱۹۶۵ برای امضا مفتوح شد. 575 UN.T.S. 159 (در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۶۶ به اجرا درآمد).

^{۵۹} پروتکل راجع به اساسنامه دیوان دادگستری اتحادیه اروپا، ماده ۴۴.

۴۷- در قواعد رسیدگی تعدادی از دیوان‌های مختلط داوری که بعد از دو جنگ جهانی تأسیس شده‌اند، به هیئت‌های داوری مربوط صراحتاً اجازه تجدیدنظر در تصمیمات خود داده شده است.^{۶۲} به علاوه، دادگاه حقوق بشر اروپا در تدوین قواعد دادرسی خود و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها نیز در تعیین قواعد آن دیوان، اختیار تجدیدنظر در احکامشان را به خود تفویض کرده‌اند.^{۶۳}

۴۸- رویه دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی در خصوص وجود اختیار تجدیدنظر در غیاب نص، با یکدیگر تناقض دارد.^{۶۴}

۴۹- در مورد این دیوان، نه در بیانیه حل و فصل دعاوی و نه در قواعد دیوان، اعاده دادرسی و تجدید رسیدگی ماهوی پرونده بعد از صدور حکم پیش بینی نشده است.

۵۰- بند ۱ ماده چهار بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر می‌دارد که: تمام تصمیمات و احکام هیئت داوری قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود.^{۶۵} این مقرر در بند ۲ ماده ۳۲ قواعد دیوان که اشعار می‌دارد احکام صادره توسط دیوان "قطعی و اجرای آن برای طرف‌ها الزامی است" مورد تأیید واقع شده است. در مواد ۳۵، ۳۶ و ۳۷ قواعد دیوان

^{۶۰} اساسنامه دیوان حل اختلاف سازمان ملل متحد، بند ۱، ماده ۱۲، G.A. Res. 63/253, U.N. Doc. A/RES/63/253, at 13 (17 Mar. 2009)

^{۶۱} اساسنامه دیوان پژوهش سازمان ملل متحد، بند ۱، ماده ۱۱ G.A. Res. 63/253, U.N. Doc. A/RES/63/253, at 19 (17 Mar. 2009)

^{۶۲} به عنوان مثال، ر.ک.:

Rules of Procedure of the Belgo-German Mixed Arbitral Tribunal art. 76, reprinted in 1 RECUEIL DES DÉCISIONS DES TRIBUNAUX MIXTES INSTITUÉS PAR LES TRAITÉS DE PAIX 33, 43 (1992); Rules of Procedure of the Franco-German Mixed Arbitral Tribunal art. 79, *id.* At 44, 55; Rules of Procedure of the Anglo-Austrian Mixed Arbitral Tribunal art. 91, *id.* At 622, 635

همچنین ر.ک. Rules of Procedure of the Arbitral Tribunal and Mixed Commission for the London Agreement on German

External Debts art 48 (a), reprinted in KARIN OELLERS-FRAHM & NORBERT WÜHLER, DISPUTE SETTLEMENT IN PUBLIC INTERNATIONAL LAW 772, 779-80 (1984); Rules of Procedure of the Arbitral Commission on Property, Rights and Interests in Germany rule 68, [1957] 2 BUNDESGESETZBLATT 230, 249-50

^{۶۳} دادگاه حقوق بشر اروپا، قواعد دادرسی، ماده ۸۰، قابل دسترسی در <http://www.echr.coe.int>؛ دیوان بین‌المللی حقوق

دریاها، قواعد دادرسی دیوان، ماده ۱۲۷ قابل دسترسی در <http://www.itlos.org>

^{۶۴} آراء مراجع بین‌المللی در قایل شدن اختیار ذاتی برای دادگاه‌ها یا دیوان‌های بین‌المللی برای تجدیدنظر در احکام قطعی و لازم‌الاجرا،

مشمول اند بر:

George Moore v. Mexico (U.S.-Mex. Mixed Claims Comm. 26 Jul. 1871), 2 J.B. MOORE, HISTORY AND DIGEST OF THE INTERNATIONAL ARBITRATIONS TO WHICH THE UNITED STATES HAS BEEN A PARTY 1357 (1898); Lehigh Valley Railroad ("The Sabotage Cases"), 8 R.I.A.A. 160, 187-90 (U.S.-Ger. Mixed Claims Comm. 15 Dec. 1933); Trail Smelter Arbitration (U.S. v. Can.), 3 R.I.A.A. 1938, 1953-54 (U.S.-Can. Arb. Trib. 1941); Effect of Awards of Compensation Made by the United Nations Administrative Tribunal, Advisory Opinion, 1954 I.C.J. 47, 55 (13 July); Antoine Biloune (Syria), et al. v. Ghana Investments Centre, et. al., Award on Damages and Costs, paras. 32-35 (*Ad Hoc* UNCITRAL Arb. Trib. 30 June 1990), XIX Y.B. COMMERCIAL ARBITRATION 11, 22-23 (1994).

آراء مراجع بین‌المللی در استنکاف از قایل شدن اختیار ذاتی در غیاب یک اجازه صریح، عبارت‌اند از:

Benjamin Weil and the La Abra Silver Mining Co. (U.S.-Mex. Mixed Claims Comm. 20 Oct. 1876), 2 J.B. Moore, *supra*, 1324, 1329; A.H. Lazare (U.S.-Haiti 1886), 2 J.B. Moore 1749, 1801; Question of Jaworzina (Polish-Czechoslovakian Frontier), Advisory Opinion, 1923 P.C.I.J. (ser. B) No. 8, at 38.

^{۶۵} بیانیه حل و فصل دعاوی، ماده چهار (۱)، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۱۰.

استثناء محدودی بر قاعده اساسی قطعیت احکام پیش‌بینی شده است. دیوان بدنبال صدور حکم می‌تواند، بر اساس مقررات مواد مزبور، حکم را مورد تفسیر قرار دهد (ماده ۳۵)، "هر گونه اشتباه محاسبه، غلط‌های انشایی یا املائی یا اشتباهاتی از این دست را" تصحیح کند (ماده ۳۶)، یا "در مورد آن دسته از دعاوی که در جریان داوری ارائه شده لکن در حکم مسکوت مانده، حکم تکمیلی صادر نماید" (ماده ۳۷).^{۶۶}

۵۱- دیوان در رویه قضایی خود تاکنون در شعب دیوان، این موضوع را مطرح، اما مفتوح نگه‌داشته است که آیا با توجه به این که اختیار اعاده دادرسی و تجدید رسیدگی ماهوی دعاوی صراحتاً به دیوان تفویض نشده، دیوان "تحت اوضاع و احوال استثنائی" اختیار ذاتی برای این کار را دارد یا خیر.^{۶۷} دیوان در دو پرونده زیر آن موضوع را تا حدودی به تفصیل مورد بررسی قرار داد.

۵۲- در پرونده *رام اینترنشنال اینداستریز، اینک، نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران* تقاضا کرد که شعبه یک دیوان، به دلیل جعل و شهادت دروغ، حکم اولیه صادره در آن پرونده را مورد تجدیدنظر قرار دهد.^{۶۸} شعبه یک، در پرداختن به این موضوع که آیا اختیار ذاتی برای انجام چنین کاری را دارد یا خیر، بعد از بررسی تعدادی آراء بین المللی و نوشته‌های علمی، به شرح زیر نتیجه‌گیری کرد:

^{۶۶} ر.ک. پانوشت های ۴۴-۴۵ بالا.

^{۶۷} به عنوان مثال، ر.ک. هنری موریس و جمهوری اسلامی ایران، تصمیم شماره ۱-۲۰۰-۲۶ دی ای سی، ص ۲، مورخ ۲۶ مهر ۱۳۶۲ [متن انگلیسی، مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۳]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳، ص ۳۶۴، ص ۳۶۵، مارک دلال و جمهوری اسلامی ایران، و دیگران، تصمیم شماره ۱-۱۴۹-۳۰ دی ای سی مورخ ۲۲ دی ۱۳۶۲ [۱۲ ژانویه ۱۹۸۴]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۵، ص ۷۴، ص ۷۵؛ *دیمزاند مور و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، تصمیم شماره ۳-۵۴-۳۶ دی ای سی، ص ۲۱-۱۸، مورخ ۱۰ مرداد ۱۳۶۴ [متن انگلیسی، مورخ ۲۳ آوریل ۱۹۸۵]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۸، ص ۱۰۷، ص ۱۱۸-۱۷؛ *ورلد فارمرز تریدینگ، اینک. و شرکت معاملات دولتی، و دیگران*، تصمیم شماره ۱-۷۶۴-۹۳ دی ای سی، بند ۳، مورخ ۱۱ مهر ۱۳۶۹ [سوم اکتبر ۱۹۹۰]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۵، ص ۱۸۶، ص ۱۸۷؛ *رام اینترنشنال اینداستریز، اینک. و دیگران و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران*، تصمیم شماره ۱-۱۴۸-۱۱۸ دی ای سی، بندهای ۲۰-۱۵، مورخ هفتم دی ۱۳۷۲ [۲۸ دسامبر ۱۹۹۳]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۹، ص ۳۸۳، ص ۳۹۰-۳۸۷، *هارولد برنهام و جمهوری اسلامی ایران*، تصمیم شماره ۲-۹۶۷-۱۲۴ دی ای سی، بندهای ۲۲-۱۴، مورخ ۲۳ آذر ۱۳۷۴ [۱۴ دسامبر ۱۹۹۵]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۱، ص ۲۸۶، ص ۲۹۲-۲۸۹؛ *فردریکا لینکلن ریاحی و جمهوری اسلامی ایران*، تصمیم شماره ۱-۴۸۵-۱۳۳ دی ای سی، بند ۴۳، مورخ ۲۶ آبان ۱۳۸۳ [۱۷ نوامبر ۲۰۰۴]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۸، ص ۱۹، ص ۳۳.

^{۶۸} *رام اینترنشنال اینداستریز، اینک و دیگران و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۱-۱۴۸-۶۷ مورخ ۲۵ آبان ۱۳۶۲ [متن انگلیسی، مورخ ۱۹ اوت ۱۹۸۳]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳، ص ۲۰۳.

بر اساس بررسی فوق، احتمالاً می‌توان نتیجه گرفت که دیوانی مانند دیوان حاضر که باید تعداد کثیری پرونده را ظرف مدت مدیدی رسیدگی کند، تا خاتمه دادرسی‌ها و انحلال خود، اختیار تجدیدنظر در تصمیماتی را دارد که با القاء قلب صادر می‌شوند.^{۶۹}

با توجه به این که "پیش شرط‌های لازم" برای هر گونه تجدیدنظر احتمالی احراز نشده بود، شعبه یک لازم ندانست که آن موضوع را در آن پرونده بطور کامل پیگیری و مورد تصمیم قرار دهد.^{۷۰}

۵۳- در پرونده *هارولد برنهام*، ایران از شعبه دو تقاضا کرد که حکم اولیه خود را مورد تجدیدنظر قرار دهد.^{۷۱} ایران در تأیید تقاضای خود، به تصمیم شعبه یک در پرونده *رام اینترنشنال اینداستریز، اینک* استناد کرد.^{۷۲} اما شعبه دو نسبت به این سؤال که آیا دیوان اختیار ذاتی برای تجدیدنظر در احکام خود را دارد یا خیر، روش شکاکانه‌ای پیش گرفت. شعبه دو، ضمن این که اظهار داشت "در فقد اوضاع و احوال استثنایی، مثلاً، ادعای کلاهبرداری یا شهادت کذب، نیازی ندارد که تصمیم گیرد آیا اختیار ذاتی یا تلویحی برای تجدیدنظر در احکام قطعی و لازم الاجرای خود را دارد یا خیر"،^{۷۳} یاد آور شد که:

در موافقت نامه‌های دو جانبه عصر حاضر چندان جایی برای استنباط اختیارات تلویحی وجود ندارد، زیرا تنظیم کنندگان اینگونه موافقت نامه‌ها از تجربیات گذشته آگاهند. در عصر حاضر، چنین انتظار می‌رود که دو کشوری که قصد دارند به دیوانی که بر اساس یک معاهده فیما بین تأسیس یافته، اجازه

^{۶۹} *رام اینترنشنال اینداستریز، اینک و دیگران و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران*، تصمیم شماره ۱-۱۴۸-۱۱۸ دی ای سی، مورخ هفتم دی ۱۳۷۲ [۲۸ دسامبر ۱۹۹۳]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۹، ص ۳۸۳، ص ۳۹۰.

^{۷۰} همانجا، بندهای ۲۰ و ۲۳، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۹، ص ۳۹۱-۳۹۰. در خصوص شرایط لازم برای تجدیدنظر، شعبه یک اظهار داشت:

... این شرط که تقاضای تجدیدنظر در هر حکمی "تنها هنگامی امکان پذیر است که بر مبنای کشف واقعیتی صورت گیرد که ماهیتاً عاملی قاطع باشد"، دقیقاً از همان لسان کلیه مقررات قانونی، تصمیمات قضایی و نظرات نویسندگان دانشمندی پیروی می‌کند که در فوق بررسی شده‌اند. بنابراین، دیوان معتقد است که از جهت تجدیدنظر [در حکم]، واقعیت جدید باید قاطع باشد، به این معنی که هر گاه در کنار سایر واقعیات بررسی شده قبلی در پرونده قرار گیرد، موازنه و به تبع آن، استنتاجات دیوان را جداً بر هم زند.

همانجا، بند ۲۰، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۹، ص ۳۹۰ (ارجاعات حذف شده است).

^{۷۱} *هارولد برنهام و جمهوری اسلامی ایران*، حکم شماره ۲-۹۶۷-۵۴۹، مورخ ۱۵ تیر ۱۳۷۲ [ششم ژوئیه ۱۹۹۳]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲۹، ص ۲۶۰.

^{۷۲} ر.ک. بند ۵۲ بالا.

^{۷۳} *هارولد برنهام و جمهوری اسلامی ایران*، تصمیم شماره ۲-۹۶۷-۱۲۴ دی ای سی، بند ۲۰، مورخ ۲۳ آذر ۱۳۷۴ [۱۴ دسامبر ۱۹۹۵]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۱، ص ۲۸۶، ص ۲۹۱.

تجدیدنظر در احکام صادره بدهند، این اراده مشترک خود را صریحاً اعلام نمایند. قدر مسلم این است که ایران و ایالات متحده چنین اجازه‌ای را در بیانیه‌های الجزایر مقرر نداشته‌اند.^{۷۴}

در پرونده *هارولد برنهام* شعبه دو، با استناد به حکم پرونده *ایترنشال اسکولز سرویسز، اینکورپوریتد*، که طی آن شعبه یک دیوان اظهار داشته بود که "جای بحث است که دیوان حتی در اوضاع و احوال استثنایی، اختیار داشته باشد که خارج از حیطه آن قواعد [دیوان] عمل نموده، حکمی را تجدیدنظر یا تصحیح کند"،^{۷۵} افزود که:

... قطعیت و لازم الاجرا بودن یک حکم الزاماً مانع امکان تجدیدنظر در آن نمی‌شود. لیکن وجود قواعد صریح مبنی بر "قطعی و لازم الاجرا بودن" حکم و در کنار آن، سکوت طرفین متعاقدین راجع به امکان تجدیدنظر، این نتیجه‌گیری را دشوار می‌سازد که اصولاً اختیار ذاتی برای تجدیدنظر در احکام وجود دارد.^{۷۶}

۵۴- در واقع، دو دولت متعاقد در بند ۱ ماده چهار بیانیه حل و فصل دعاوی، که مقرر می‌دارد "تمام تصمیمات و احکام هیئت داورى قطعی و لازم الاجرا خواهد بود"^{۷۷}، به اصل قطعی بودن احکام داورى بین المللی تجلی بخشیده‌اند. این اصل بنیادین "به تحقق کارآیی از جهت حل و فصل سریع و مقرون به صرفه اختلافات کمک می‌کند".^{۷۸} در داورى بین المللی، اشتیاق به قطعیت احکام عامل مهمی است.

۵۵- بند ۲ ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر می‌دارد که "اجرای امور هیئت، طبق مقررات حکمیت کمیسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق تجارت بین المللی (UNCITRAL) خواهد بود؛ مگر در مواردی که توسط طرفین و یا توسط هیئت داورى بمنظور اطمینان از اجرای این بیانیه اصلاح می‌شود."^{۷۹} بنابراین، قواعد داورى کمیسیون حقوق تجارت بین الملل سازمان ملل متحد ("قواعد داورى آنسیترال")، به نحوی که در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] قابل اجرا بوده، بر تمام رسیدگی‌های دیوان، مگر در حدی که توسط دو دولت متعاقد بیانیه حل و فصل دعاوی یا توسط خود دیوان اصلاح گردیده، حاکم خواهد بود.

^{۷۴} همانجا، بند ۱۵، گزارش آراء دیوان داورى، جلد ۳۱، ص ۲۹۰-۲۸۹.

^{۷۵} *ایترنشال اسکولز سرویسز، اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران و دیگران*، حکم شماره ۱-۱۲۳-۲۹۰، بند ۱۷، مورخ نهم بهمن ۱۳۶۵ [۲۹ ژانویه ۱۹۸۷]، منتشره در گزارش آراء دیوان داورى، جلد ۱۴، ص ۶۵، ص ۷۱-۷۰.

^{۷۶} *هارولد برنهام*، تصمیم شماره ۲-۹۶۷-۱۲۴ دی ای سی، بند ۱۷، گزارش آراء دیوان داورى، جلد ۳۱، ص ۲۹۰.

^{۷۷} بیانیه حل و فصل دعاوی، بند ۱، ماده چهار، گزارش آراء دیوان داورى، جلد ۱، ص ۱۰.

^{۷۸} RUDOLPH DOLZER & CHRISTOPH SCHREUER, PRINCIPLES OF INTERNATIONAL INVESTMENT LAW 277 (2008)

^{۷۹} بیانیه حل و فصل دعاوی، بند ۲، ماده ۳، گزارش آراء دیوان داورى، جلد ۱، ص ۱۰.

۵۶- دیوان در اجرای مأموریت خود، بعد از آن که به دو دولت متعاقد فرصت کامل برای ابراز نظرات خود را داد، قواعد داوری آنسیترال را بدقت بررسی و اصلاح کرد.^{۸۱} دیوان سرانجام قواعد رسیدگی خود را در اردیبهشت ۱۳۶۲ [مه ۱۹۸۳] تصویب نمود.

۵۷- بند ۱ ماده ۱ قواعد دیوان مقرر می دارد که "در چهارچوب بیانیه های الجزایر، طرح دعوی در دیوان داوری و نحوه رسیدگی به آن تابع قواعد ذیل است که امکان دارد توسط دیوان عمومی یا دولتین اصلاح شود". این شرط با بند ۲ ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی مطابقت دارد.

۵۸- در جریان اصلاح قواعد داوری آنسیترال، نه دیوان و نه دو دولت متعاقد به این نتیجه نرسیدند که، برای آن که دیوان بتواند وظایف خود را بر طبق بیانیه حل و فصل دعاوی انجام دهد - "تا از اجرای آن بیانیه [حل و فصل دعاوی] اطمینان حاصل کند"^{۸۱} - لازم است استثنائاتی بر قاعده بنیادین قطعی بودن احکام، سوی استثنائات محدود مقرر در مواد ۳۵، ۳۶، و ۳۷ قواعد دیوان (به ترتیب، تفسیر حکم، تصحیح حکم، و صدور حکم تکمیلی) پیش بینی شود.^{۸۲} به ویژه، نه دیوان و نه دو دولت متعاقد با وجود آن که "از تجربیات گذشته آگاه بودند"،^{۸۳} لازم ندانستند قیدی را بگنجانند که اجازه دهد حکمی که از سایر جهات قطعی و لازم الاجراست مورد تجدیدنظر واقع شود. در مورد آگاهی از تجربیات گذشته، شایان ذکر است که در معاهدات حل و فصل عصر حاضر که در تاریخ صدور بیانیه های الجزایر قابل اجرا بودند، از قبیل اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری^{۸۴} و کنوانسیون ICSID،^{۸۵} صراحتاً امکان تجدیدنظر در آراء و احکام قطعی و لازم الاجرا پیش بینی شده است. این امر نیز قابل توجه است که کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه راجع به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، که ایران و ایالات متحده هر دو از تاریخ ۱۳ شهریور ۱۲۷۹ [چهارم سپتامبر ۱۹۰۰] متعاقد آن بوده اند، مقرر می دارد که "طرفها می توانند حق درخواست تجدیدنظر در حکم را در موافقت نامه داوری برای خود حفظ کنند".^{۸۶} همان گونه که شعبه دو در پرونده هارولد برنهام اظهار داشت، "در عصر حاضر، چنین انتظار می رود که دو کشوری که قصد دارند به دیوانی

^{۸۱} Howard M. Holtzmann, *Drafting the Rules of the Tribunal, in THE IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL*

AND THE PROCESS OF INTERNATIONAL CLAIMS RESOLUTION 75, 76 (2000)

^{۸۱} بیانیه حل و فصل دعاوی، بند ۲ ماده سه، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۱، ص ۱۰.

^{۸۲} بند ۵۰، بالا.

^{۸۳} هارولد برنهام و جمهوری اسلامی ایران، تصمیم شماره ۲-۹۶۷-۱۲۴ دی ای سی، بند ۱۵، مورخ ۲۳ آذر ۱۳۷۴ [۱۴ دسامبر ۱۹۹۵]

منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۱، ص ۲۸۶، ص ۲۹۰؛ بند ۵۳ بالا.

^{۸۴} پانوش ۵۷ بالا.

^{۸۵} پانوش ۵۸ بالا.

^{۸۶} کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه، بند ۱، ماده ۵۵، پانوش ۵۴ بالا.

که بر اساس یک معاهده فیما بین تأسیس یافته، اجازه تجدیدنظر در احکام صادره بدهند، این اراده مشترک خود را صریحاً اعلام نمایند.^{۸۷}

۵۹- دیوان اکنون به بررسی موضوع اختیارات ذاتی دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی می‌پردازد. به عنوان یک موضوع کلی، دیوان می‌پذیرد که یک دیوان داوری بین‌المللی، نظیر خود این دیوان دارای پاره ای اختیارات ذاتی می‌باشد. اختیارات ذاتی "اختیاراتی است که صراحتاً به دیوان تفویض نشده، اما باید به عنوان پی‌آمد ضروری قصد بنیادین طرفین در ایجاد نهادی با ماهیت قضایی به آن نگریست."^{۸۸} گفته شده است که "منشأ اختیارات ذاتی دادگاه‌های بین‌المللی نیازی است که آنها به حصول اطمینان از ایفای وظایف خود دارند."^{۸۹} بنابراین، به عنوان مثال، دیوان احراز کرده است که "بالقوه این اختیار را دارد که در صورت لزوم به منظور حفظ حقوق طرفین مربوط و تضمین کامل صلاحیت و اختیار دیوان دستوراتی صادر نماید."^{۹۰}

۶۰- در این خصوص که آیا دیوان‌های بین‌المللی اختیار ذاتی برای تجدیدنظر در احکام قطعی و لازم اجرا را دارند یا خیر، عقاید دانشمندان حقوق متفاوت^{۹۱}، و رویه دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی با یکدیگر متناقض است.^{۹۲} دیوان آگاه است که دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی مورخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۵۴ خود در قضیه

^{۸۷} هارولد برنهام، تصمیم شماره ۲-۹۶۷-۱۲۴ دی ای سی، بند ۱۵، گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۳۱، ص ۲۹۰، بند ۵۳ بالا.

^{۸۸} DAVID D. CARON, ET AL., THE UNCITRAL ARBITRATION RULES – A COMMENTARY 915 (2006).

همچنین ر.ک. CHESTER BROWN, A COMMON LAW OF INTERNATIONAL ADJUDICATION 56 (2007);

Friedl Weiss, *Inherent Powers of National and International Courts: The Practice of the Iran-U.S. Claims Tribunal*, in INTERNATIONAL INVESTMENT LAW FOR THE 21st CENTURY – ESSAYS IN HONOUR OF CHRISTOPH SCHREUER 185, 186 (C. Binder, U. Kriebaum, A. Reinisch, S. Wittich eds., 2009)

^{۸۹} Chester Brown, *The Inherent Powers of International Courts and Tribunals*, 76 BRIT. Y.B. INT'L L. 195, 228 (2005).

همچنین ر.ک. Paola Gaeta, *Inherent Powers of International Courts and Tribunals*, in MAN'S INHUMANITY TO MAN – ESSAYS ON INTERNATIONAL LAW IN HONOUR OF ANTONIO CASSESE 353, 364-68 (L.C. Vohrah, F. Pocar, Y. Featherstone, O. Fourmy, C. Graham, J. Hocking & N. Robson eds., 2003)

^{۹۰} ای.سی.سی.سی.سی. اینکورپوریتد و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، حکم در مورد صلاحیت [قرار موقت] شماره ۱۳-۲۸۸ دیوان

عمومی، ص ۱۰، مورخ ۱۵ بهمن ۱۳۶۱ [چهارم فوریه ۱۹۸۳]، منتشره در گزارش آراء دیوان داوری، جلد ۲، ص ۵۱، ص ۵۷.

^{۹۱} به عنوان مثال، ر.ک. BROWN, A COMMON LAW OF INTERNATIONAL ADJUDICATION. پانوش ۸۸ بالا، ص ۱۷۱

(که می‌گوید استدلال‌ات راجع به قایل شدن اختیار تجدیدنظر به عنوان یک اختیار ذاتی "کاملاً موجه است"؛ و نیز این که اجرای صحیح عدالت بین‌المللی موافق پذیرش رویه‌ای است که ادله جدید، با رعایت پاره ای شرایط، مورد بررسی قرار گیرد، مشروط بر این که اعمال چنین اختیاری با مفاد اساسنامه دادگاه بین‌المللی مغایرت نداشته باشد)؛

Bowett، پانوش ۵۳ بالا، ص ۵۹۰ (که می‌گوید "محل تردید" است که یک دیوان بین‌المللی "هیچ گونه اختیار ذاتی برای تجدیدنظر" داشته باشد)؛

KAIKOBAD، پانوش ۵۲ بالا، ص ۲۵۲ (تجدیدنظر "تدبیری است مبتنی بر رضایت" و "اختیار یک دیوان داوری برای تجدیدنظر

در تصمیمات خود بر اساس کشف یک واقعیت قاطع دعوا اختیار ذاتی نیست.")

^{۹۲} ر.ک. پانوش ۶۴ بالا.

در اوضاع و احوال خاص، اختیار تجدیدنظر در یک حکم قطعی و لازم الاجرا یک اختیار ذاتی است.^{۹۴} اما شایسته یادآوری است که نظر مشورتی دیوان بین المللی دادگستری در قطعنامه شماره (نه) ۸۸۸ مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۵۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد تبعیت واقع شد و در آن قطعنامه، مجمع عمومی بعد از ملاحظه آن نظر (یک) بطور اصولی تجدیدنظر قضایی احکام دیوان اداری سازمان ملل متحد را پذیرفت و (دو) کمیته ویژه‌ای برای بررسی موضوع تعیین یک رویه تجدیدنظر در احکام دیوان اداری سازمان ملل متحد ایجاد کرد.^{۹۵} مجمع عمومی سازمان ملل متحد متعاقباً طی قطعنامه شماره (ده) ۹۵۷ مورخ هشتم نوامبر ۱۹۹۵ اصلاحاتی در اساسنامه دیوان اداری مزبور به عمل آورد، و از جمله، یک ماده ۱۲ جدید به آن افزود، که صراحتاً به دیوان اداری سازمان ملل اجازه می‌داد احکام خود را بر اساس واقعیات جدید و قاطع دعوی مورد تجدیدنظر قرار دهد.^{۹۶} ماده ۱۲ اساسنامه دیوان اداری سازمان ملل متحد تا حدود زیادی بازتاب بند ۱ ماده ۶۱ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری بود.^{۹۷}

۶۱- به عقیده دیوان، برای تصمیم‌گیری در این باره که دادگاه‌ها و دیوان‌های بین المللی چه اختیاراتی را می‌توانند به عنوان اختیار ذاتی اعمال کنند، باید ویژگی‌های خاص هر دادگاه یا دیوان بخصوص، از جمله اوضاع و احوال تأسیس آن، هدف و منظور اساسنامه آن، و رضایت طرفین به گونه‌ای که در آن اساسنامه و اسناد مربوطه بیان شده است، مورد توجه قرار گیرد.^{۹۸} در تصمیم‌گیری راجع به این که آیا دیوان دارای اختیار ذاتی برای تجدیدنظر در احکام خود هست یا خیر، این اصل ملاک عمل دیوان خواهد بود.

^{۹۳} Effect of Awards of Compensation Made by the United Nations Administrative Tribunal, Advisory Opinion, 1954 I.C.J. 47 (13 July)

در نتیجه تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تأسیس یک نظام جدید دادگستری، از جمله، یک نظام دو مرحله‌ای رسمی متشکل از یک مرحله ابتدایی، موسوم به دیوان حل اختلاف سازمان ملل متحد و یک مرحله پژوهشی، موسوم به دیوان پژوهش سازمان ملل متحد، دیوان اداری سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۹ منحل گردید. ر.ک. G.A. Res. 63/253, U.N. Doc. A/RES/63/253 (17 Mar. 2009). به پانوشتهای ۶۰ و ۶۱ بالا.

^{۹۴} دیوان بین المللی دادگستری در نظر مشورتی خود احرار کرد که این قاعده که حکمی قطعی و غیرقابل پژوهش است "را نمی‌توان ... این گونه تلقی کرد که دیوان [اداری سازمان ملل متحد] امکان تجدیدنظر در حکمی را در اوضاع و احوال خاصی که واقعیات جدید واجد اهمیت قاطع کشف گردیده ... از حیثه اختیارات خود خارج دانسته باشد."

Effect of Awards of Compensation Made by the United Nations Administrative Tribunal, Advisory Opinion, 1954 I.C.J. at 55

^{۹۵} G.A. Res. 888 (IX) (17 Dec. 1954)، قابل دسترسی در سایت <http://www.un.org/documents/ga/res/9/ares9.htm>

^{۹۶} G.A. Res. 957 (X) (8 Nov. 1955)، قابل دسترسی در سایت <http://www.un.org/documents/ga/res/10/ares10.htm>

^{۹۷} پانوشته ۵۷ بالا.

^{۹۸} همچنین ر.ک. Gaeta، پانوشته ۸۹ بالا، ص ۳۷۰. ("در سنجش ماهیت ذاتی یک اختیار 'تصریح نشده' ویژگی‌های منحصر به فرد هر دادگاه یا دیوان بخصوص باید در نظر گرفته شود.")

۶۲- در تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲]، ایران و ایالات متحده بدنبال مذاکرات طولانی و دشواری که از طریق دولت الجزایر به عنوان میانجی رسمی صورت گرفت، بیانیه‌های الجزایر را که مشتمل بر یک بیانیه عمومی و یک بیانیه حل و فصل دعاوی است، منعقد کردند.^{۹۹} بیانیه‌های الجزایر به یک بحران طولانی و حاد بین دو دولت که اساساً کلیه روابط دیپلماتیک خود را قطع کرده و به یکدیگر با بدگمانی بی‌نهایت می‌نگریستند، پایان داد. این دیوان، که یکی از تدابیر متخذه برای فرو نشاندن آن بحران بود، از طریق بیانیه حل و فصل دعاوی به منظور تصمیم‌گیری راجع به بعضی دعاوی اتباع هر یک از دو دولت علیه دولت دیگر و بعضی دعاوی بین دو دولت تأسیس گردید.^{۱۰۰} حل و فصل قطعی دعاوی مزبور یکی از ویژگی‌های مهم توافقی بود که توسط دو دولت برای پایان بخشیدن به بحران صورت گرفت؛ این موضوع در ماده یک بیانیه حل و فصل دعاوی که مقرر می‌دارد "ایران و ایالات متحده ادعاهای مشروحه در بند ۲ را از طریق توافق بین طرفین مستقیم دعوا حل و فصل خواهند نمود" نیز منعکس شده است.^{۱۰۱} در برابر این پیش‌زمینه، موافقت دو دولت متعاهد، در بند ۱ ماده چهار بیانیه حل و فصل دعاوی، دایر بر این که "تمام تصمیمات و احکام هیئت داوروری قطعی و لازم الاجرا خواهد بود،"^{۱۰۲} اهمیت خاص کسب کرده است.

۶۳- به عقیده دیوان، برای پرهیز از برهم زدن ساختار و اجرای اکید و دقیق بیانیه‌های الجزایر که اسنادی حساس از نظر سیاسی هستند، دیوان باید در احراز اختیارات ذاتی برای خود بویژه احتیاط پیشه کند.

۶۴- با عنایت به مراتب بالا و با توجه به این که (یک) زمانی که دیوان با مشورت دو دولت متعاهد بیانیه حل و فصل دعاوی، قواعد داوروری آنستیرال را اصلاح می‌کرد، نه دیوان و نه دو دولت متعاهد "به منظور اطمینان از اجرای بیانیه [حل و فصل دعاوی]" تدبیر تجدیدنظر در احکام قطعی و لازم الاجرا را ضروری ندانستند^{۱۰۳} و (دو) چنانچه دیوان یا دو دولت متعاهد بیانیه حل و فصل دعاوی در هر زمان تدبیر تجدیدنظر را ضروری یا مناسب تشخیص دهند، مکانیزمی طبق بیانیه حل و فصل دعاوی و بند ۱ ماده ۱ قواعد دیوان برای اصلاح قواعد مزبور موجود است^{۱۰۴}، دیوان آماده اعلام این نظر نیست که اختیار ذاتی برای تجدیدنظر در احکام قطعی و لازم الاجرا را دارد.^{۱۰۵}

^{۹۹} ر.ک. پانوش ۲ بالا.

^{۱۰۰} بیانیه حل و فصل دعاوی، ماده دو و بند ۴ ماده شش، گزارش آراء دیوان داوروری، جلد ۱، ص ۱۱-۹.

^{۱۰۱} همانجا، بند ۱ ماده یک، گزارش آراء دیوان داوروری، جلد ۱، ص ۱۰.

^{۱۰۲} همانجا، بند ۱ ماده چهار، گزارش آراء دیوان داوروری، جلد ۱، ص ۱۰.

^{۱۰۳} همانجا، بند ۲ ماده سه، گزارش آراء دیوان داوروری، جلد ۱، ص ۱۰. ر.ک. بندهای ۵۸-۵۵ بالا. قواعد دیوان بعد از آن که به تصویب رسید، تنها یک بار اصلاح شده است. این اصلاح، که مشتمل بر افزودن یک بند جدید - یعنی بند ۵ بر ماده ۱۳ بود (و مقرر می‌دارد که پس از تاریخ قطعی استعفا یک داور، وی همچنان به عنوان داور در رابطه با کلیه پرونده‌هایی که در استماع ماهوی آن شرکت داشته انجام وظیفه خواهد کرد) سرانجام در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۶۲ [هشتم مارس ۱۹۸۴] به تصویب رسید. ر.ک. اصلاح قواعد دیوان، ماده ۱۳، منتشره در گزارش آراء دیوان داوروری، جلد ۷، ص ۳۱۷ (۱۹۸۴).

^{۱۰۴} بدیهی است، با توافق دو دولت می‌توان بیانیه حل و فصل دعاوی را اصلاح و به دیوان اختیار تجدیدنظر در احکام قطعی و لازم الاجرا را تفویض کرد.

نکته همان قدر مهم این که، دیوان معتقد است ویژگی‌ها و وجوه خاص مربوط به تدبیر تجدیدنظر را، نه در چهارچوب تصمیم دیوان در یک پرونده خاص، بلکه در چهارچوب اصلاح رسمی قواعد دیوان - از قبیل حیطة شمول آن، مهلت‌های زمانی برای تقدیم درخواست تجدیدنظر و ساختار رسیدگی پژوهشی^{۱۶} می‌توان با میزان دقت و موثکافی لازم مشخص و تعیین کرد.

۶۵- به علاوه، دیوان متذکر می‌شود که، تا آنجا که اطلاع دارد، اساسنامه‌ها و قواعد دادرسی دادگاهها و دیوان‌های عصر حاضر که امکان تجدیدنظر در آنها صراحتاً پیش‌بینی شده، "اشتباهات آشکار حقوقی" یا "اشتباهات اساسی در جریان دادرسی" به عنوان مبانی تجدیدنظر در یک تصمیم قطعی و لازم الاجرا ذکر نشده است. بر عکس، اساسنامه‌ها و قواعد دادرسی مزبور نوعاً مقرر می‌دارند که درخواست تجدیدنظر از چنین تصمیمی تنها هنگامی امکان پذیر است که مبتنی بر کشف یک واقعیت جدید و قاطع دعوی باشد؛ و همچنین مهلت‌های زمانی برای ارائه چنین درخواستی را نیز مشخص می‌کند.^{۱۷}

۶۶- با توجه به استنتاجات دیوان به شرح بالا، درخواست ایران برای برگزاری جلسه استماع درباره بعضی "موضوعات ماهوی"^{۱۸} سالبه به انتفاء موضوع شده است.

^{۱۵} گفته شده است که اگر ثابت شود تصمیمی در اثر کلاهبرداری یا سوگند دروغ تحصیل گردیده، آن تصمیم "یک تصمیم قانونی محسوب نمی‌شود... باید این طور تلقی کرد که حق و در واقع وظیفه صدور یک حکم معتبر استمرار دارد؛" و همچنین گفته شده است که "این استدلال که در این گونه اوضاع و احوال، دشوار می‌توان اعاده دادرسی را تجدیدنظر در معنی عادی این مفهوم توصیف نمود، بطور مسلم استدلالی متقن است."
KAIKOBAD، پانوش ۵۲ بالا، ص ۲۵۷.

همچنین ر.ک. BIN CHENG, GENERAL PRICIPLES OF LAW AS APPLIED BY INTERNATIONAL COURTS AND

TRIBUNALS 159 (Grotius Publications Ltd., 1987) ("حکمی که علی‌الاصول در خور نهایت احترام است، اگر با کلاهبرداری

تحصیل شده باشد، قابل تأیید نیست.")؛

KENNETH S. CARLSTON, THE PROCESS OF INTERNATIONAL ARBITRATION 58 (1946) ("این اصل که اگر حکمی از طریق ادله کذب یا نوعی کلاهبرداری تحصیل شده باشد باطل است، مورد تأیید شماری از نویسندگان حقوق واقع شده است... بطور مسلم، مراجع و رویه قضایی مؤید این نتیجه‌گیری است که اگر حکمی با تقلب تحصیل شده باشد، فاقد قوت اجرایی است")؛

L. OPPENHEIM, 2 INTERNATIONAL LAW - A TREATISE 28 (4th ed., 1926)

("در صورتی که یکی از طرفین به عمد و با سوء نیت داوران را به ارتکاب یک اشتباه قاطع و اساسی سوق داده باشد، حکم صادره هیچ قوت اجرایی نخواهد داشت.") در پرونده حاضر، نه ادعای تقلب مطرح شده و نه ادعای سوگند دروغ. در نتیجه، دیوان از نظر مقاصد حاضر بررسی موضوع را لازم نمی‌داند.

^{۱۶} به عنوان مثال، ماده ۶۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری (پانوش ۵۷ بالا)، یک تجدیدنظر دو مرحله‌ای را پیش‌بینی کرده است: مرحله نخست شامل یک استماع مقدماتی درباره این موضوع است که آیا درخواست تجدیدنظر مسموع است یا خیر؛ و مرحله دوم مشتمل است بر استماع ماهوی درباره این موضوع که یک حکم خاص علی‌الاصول مستلزم تجدیدنظر هست یا خیر و اگر هست تا چه حد (در صورتی که درخواست تجدیدنظر مسموع تشخیص داده شده باشد).

^{۱۷} ر.ک. پانوش‌های ۶۱-۵۶ و ۶۳ بالا.

^{۱۸} ر.ک. بند ۳۳ بالا.

۶۷- اوضاع و احوال پرونده حاضر به گونه‌ای نیست که ادامه رسیدگی به این موضوع را ایجاب نماید. در نتیجه، دیوان لازم نمی‌داند به بررسی این موضوع پردازد که آیا یک "اشتباه آشکار حقوقی" یا یک "اشتباه اساسی در جریان دادرسی" احتمالاً می‌تواند در مواردی، بر خلاف مورد حاضر، که امکان تجدیدنظر موجود است، مبنای تجدید نظر محسوب شود؛ و یا این که دیوان، در صدور حکم جزئی شماره ۶۰۱، در واقع مرتکب چنین اشتباهاتی شده است یا خیر. به همین منوال، دیوان به بررسی آن دسته از اظهارات ایران که به ماهیت درخواست تجدید نظر ورود پیدا می‌کند، نمی‌پردازد - به عنوان مثال، اظهارات ایران مبنی بر این که دیوان در حکم جزئی شماره ۶۰۱ تصمیم خود را بر اساس یک استدلال حقوقی استوار ساخته است که توسط طرفین مورد بحث واقع نشده و یا خود دیوان آن را نزد طرفین مطرح نکرده است؛^{۱۰۹} و این که دیوان به منظور تصمیم‌گیری در این باره که آیا ایران در اثر خودداری ایالات متحده در تاریخ ششم فروردین ۱۳۶۰ [۲۶ مارس ۱۹۸۱] از دادن اجازه صدور اموال مشمول کنترل صادرات ایران متحمل خسارتی شده است یا خیر، می‌بایست ادله طرفین در خصوص یکایک دعاوی خاص را مورد توجه قرار می‌داد؛^{۱۱۰} و این که دیوان بعضی ادله و مدارکی را که ایالات متحده همراه جوابیه مورخ ۱۰ اسفند ۱۳۸۴ [اول مارس ۲۰۰۶] خود به مدارک تکمیلی مورخ ۱۲ بهمن ۱۳۸۳ [اول فوریه ۲۰۰۵] ایران تسلیم کرده بود، به غلط در عداد ادله پرونده شماره ب-۶۱ پذیرفت؛^{۱۱۱} و یا این که دیوان در صدور حکم جزئی شماره ۶۰۱، خلاف رأی خود عمل کرده است دایر بر این که حکم جزئی شماره ۵۲۹ اعتبار امر مختوم در پرونده شماره ب-۶۱ دارد.^{۱۱۲}

۶۸- به همین نحو، دیوان وارد بررسی اظهارات ایالات متحده در رد اظهارات ایران نمی‌شود. همانطور که در بالا بحث شد، ایالات متحده اظهار می‌دارد که دیوان در حکم جزئی شماره ۶۰۱ مرتکب هیچ اشتباه شکلی یا ماهوی نشده است؛^{۱۱۳} این که دیوان راجع به پرونده بر اساس موضوعی که در واقع توسط طرفین مورد بحث و استدلال واقع شده تصمیم گرفته است؛^{۱۱۴} این که دیوان نتیجه‌گیری‌های خود در آن حکم را با دقت مورد بررسی و توضیح قرار داده است؛^{۱۱۵} و نیز این که حکم جزئی شماره ۶۰۱ و حکم جزئی شماره ۵۲۹ کاملاً با یکدیگر مطابقت دارند.^{۱۱۶}

۶۹- تصمیم حاضر به اتفاق آراء اعضای دیوان حاصل شده، بدون اینکه هیچ یک از اعضا نظر جداگانه‌ای به ثبت برساند.

^{۱۰۹} ر.ک. بند ۱۶ بالا.

^{۱۱۰} ر.ک. بند ۱۹ بالا.

^{۱۱۱} ر.ک. بند ۲۰ بالا.

^{۱۱۲} ر.ک. بند ۲۹ بالا.

^{۱۱۳} ر.ک. بند ۳۷ بالا.

^{۱۱۴} ر.ک. همانجا.

^{۱۱۵} ر.ک. بند ۳۸ بالا.

^{۱۱۶} ر.ک. بند ۳۹ بالا.

۷۰- به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر تصمیم می گیرد:

درخواست مورخ ۱۲ مرداد ۱۳۸۸ [سوم اوت ۲۰۰۹] جمهوری اسلامی ایران برای "بازنگری در حکم جزئی شماره ۶۰۱" رد می شود.

لايه، به تاريخ ۱۰ تير ماه ۱۳۹۰ برابر با اوله ژوئيه ۲۰۱۱

H. Houtte

هانس فان هوتت

رئيس ديوان

به نام خدا

Bengt Broms
بنگت برومسن

Siam
گایتانو آرانجو-روئیس

H.R. N.F.
حمیدرضا نیکبخت فینی

به نام خدا

George H. Aldank
جرج اچ. آلدریچ

Mir Hossein Ebadian Kalخوران
میر حسین عابدیان کلخوران

به نام خدا

Charles N. Brown
چارلز ان. براونر

Syed Jamal Sifani
سید جمال سیفی

Ghobad Karak Makh Danlud
گبریل کرک مک دانلد